حقوق مؤمنان

(از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم)

ابراهیم شفیعی سروستانی



بسم الله الرحمن الرحیم

حقوق مومنان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم

نویسنده:

ابراهیم شفیعی سروستانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

حقوق مومنان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم ----- ۸

مشخصات کتاب ----- ۸

اشاره ----- ۹

پیش گفتار ----- ۱۱

مقدمه ----- ۱۴

۱. معنا و مفهوم حقوق ----- ۱۷

۲. تقسیم بندی حقوق ----- ۱۸

۳. رابطه حقوق خداوند و حقوق مردم ----- ۲۰

۴. متقابل بودن حقوق ----- ۲۳

۵. گذشت ناپذیر بودن تجاوز به حقوق بندگان ----- ۲۴

۶. عظمت مقام مؤمنان ----- ۲۶

۷. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و حقوق اهل ایمان ----- ۲۷

اشاره ----- ۲۷

۱. چشم پوشی و گذشت ----- ۳۰

۲. دست گیری و هم دلی ----- ۳۲

۳. رازداری و خطاپوشی ----- ۳۴

۴. درگذشتن از لغزش ----- ۳۹

۵. پوزش پذیری ----- ۴۲

۶. رد کردن سخنان بدگویان ----- ۴۴

۷. اندرزگویی و خیرخواهی ----- ۴۵

۸. پایداری بر دوستی ----- ۴۸

اشاره ----- ۴۸

خصوصیات دوست خوب ----- ۵۱

حفظ و تداوم دوستی ها ---------- ۵۱

۹. وفای به عهد و پیمان ---------- ۵۴

۱۰. عیادت و دل جویی ---------- ۵۶

۱۱. حضور در مراسم خاک سپاری ---------- ۵۸

۱۲. پذیرش دعوت ---------- ۶۲

۱۳. قبول هدایا ---------- ۶۵

۱۴. احسان در برابر احسان ---------- ۶۸

۱۵. قدرشناسی و سپاس گزاری ---------- ۷۰

۱۶. مددکاری و یاری رسانی ---------- ۷۲

۱۷. مراقبت و سرپرستی ---------- ۷۲

۱۸ و ۱۹. چاره سازی و مشکل گشایی ---------- ۸۱

۲۰. دعا برای سلامتی او به هنگام عطسه ---------- ۸۶

۲۱. راهبری به مقصود ---------- ۸۷

۲۲ و ۲۳. پاسخ گویی به سلام؛ خوش صحبتی و حسن خلق ---------- ۸۸

اشاره ---------- ۸۸

الف) فروتنی ---------- ۹۲

ب) خوش زبانی ---------- ۹۳

ج) خوش رویی ---------- ۹۴

۲۴. ارج نهادن و ارزش گذاری ---------- ۹۷

۲۵. پذیرش سوگند ---------- ۹۹

۲۶ و ۲۷. گسترش دامنه دوستی و ترک دشمنی و کینه توزی ---------- ۱۰۱

۲۸. خیرخواهی و فریادرسی ---------- ۱۰۳

۲۹. همراهی در لحظات بحرانی ---------- ۱۰۶

۳۰. ترک خودبینی و خودخواهی ---------- ۱۰۷

سخن پایانی ---------- ۱۱۰

کتاب نامه ---------- ۱۱۵

درباره مرکز ---------- ۱۱۷

حقوق مومنان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم

مشخصات کتاب

سرشناسه : شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : حقوق مومنان از دیدگاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله/ ابراهیم شفیعی سروستانی.

مشخصات نشر : تهران: موعود عصر (عج): صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۰۶ ص.

شابک : ۹۰۰۰ ریال ۹۶۴-۶۹۶۸-۹۶-۱ : ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال: چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۹۶-۷ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم : ۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۷.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۰۵] - ۱۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- احادیث

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

موضوع : مردم (حقوق اساسی) -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۴۸/ش۷ح۷۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۳۱۲۰۱

ص: ۱

اشاره

پیش گفتار

پیش گفتار

اعلام سال ۱۳۸۵ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال پیامبراعظم صلی الله علیه و آله فرصت گران قدری برای مرور دوباره بر زندگی، شخصیت، سیره و آموزه های ارزشمند بزرگ مردی است که جهان آفرینش تاکنون کسی را مانند او ندیده و نخواهد دید.

بی تردید، نویسندگان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه در این سال به بررسی موضوع های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از منظر رسول گرامی اسلام خواهند پرداخت و تصاویر تازه و بدیعی از شخصیت آن یگانه دوران در معرض دید جهانیان قرار خواهند داد. در این میان، نکته مهم این است که ما بتوانیم شخصیت و تعالیم پیامبر خاتم را به خوبی به دنیای امروز معرفی کنیم و آموزه های آن حضرت را به عنوان آموزه های جهانی که بشریت بیش از هر زمان دیگر به آنها نیازمند است، مطرح سازیم.

موضوع «حقوق مردم» به طور عام و «حقوق مؤمنان» به طور خاص یکی از موضوع هایی است که با توجه به رویکرد یادشده، پرداختن به آنها در این سال ضروری است. جا دارد که نویسندگان و پژوهشگران حوزوی و

ص:۳

دانشگاهی با جدیت بیشتری به آنها بپردازند؛ زیرا در عصر حاضر به دلیل حاکمیت فرهنگ فردگرا و سودمحور غربی بر جهان، روابط اجتماعی به شدت دست خوش آسیب شده و مردم در روابط خود با یکدیگر بیش و پیش از آنکه به حقوق دیگران بیندیشند، به سود و زیان خود فکر می کنند. همین امر سبب شده است که فعالیت های جمعی و مشارکت های اجتماعی کمتر در جوامع شکل گیرد.

جامعه ما نیز از این امر مستثنا نیست و متأسفانه شاهد هستیم که چگونه روابط خانوادگی، ارتباط های دوستانه، مشارکت های اقتصادی و... به دلیل آنکه افراد، حقوق یکدیگر را پاس نمی دارند، و در مدت زمان کوتاهی متزلزل می شود و سرانجام به جداشدن خویشان، دوستان و شرکا از یکدیگر می انجامد.

با توجه به آنچه گفته شد، موضوع های زیر در این کتاب مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است که با بهره گیری از آموزه های پیامبر و اهل بیت علیهم السلام تصویر روشنی از آنها ترسیم شود:

۱. «حق گرایی» مسلمانان ناشی از «تکلیف گرایی» آنان بوده و آنها به حکم تکلیف الهی موظف به رعایت حقوق دیگران هستند.

۲. در هیچ مکتبی به اندازه اسلام به حقوق مردم توجه نشده است، تا آنجا که حتی آداب ساده اجتماعی مانند پاسخ دادن به سلام یا «یَرْحَمَکَ اللّه » گفتن هنگام عطسه دیگران به عنوان حقی از حقوق اهل ایمان بر شمرده شده است و همگان موظف به ادای این حقوق شده اند.

۳. تأکید فراوان آموزه های اسلامی بر ضرورت ادای حقوق دیگران و برشمردن تجاوز به حقوق مردم به عنوان گناهی نابخشودنی، ضامن استقرار روابط سالم اجتماعی و ایجاد جامعه ای متعهد و مسئول است. جامعه ای که در آن همه در برابر هم احساس مسئولیت و تعهد می کنند و هیچ کس خود را

نسبت به دیگران بی اعتنا نمی داند.

امید که در این کتاب توانسته باشیم اهداف پیش گفته را چنان که شایسته است، محقق کنیم و گامی ناچیز در راه تبیین هر چه بیشتر دیدگاه اسلام در زمینه حقوق مردم برداریم.

ابراهیم شفیعی سروستانی

شعبان ۱۴۲۷ / شهریور ۱۳۸۵

ص: ۵

مقدمه

مقدمه

انسانی که طالب رسیدن به کمال، سعادت و نیک بختی در این دنیاست، باید به راهی که انبیای بزرگوار الهی بدان دعوت کرده اند، قدم نهد و به دستورهای آنان که درحقیقت، برنامه رشد و کمال انسان است، عمل کند. در این مسیر، مکتب حیات بخش اسلام در رأس همه ادیان و پیامبر عظیم الشأن آن در صدر سلسله انبیا، کامل ترین، روشن ترین و بهترین برنامه ها را برای انسان ها آورده است؛ برنامه هایی که در عین سادگی و راحتی، انسان را به بهترین شیوه از سقوط و تباهی حفظ می کند و به رشد و تعالی می رساند.

بهترین شاهد ما بر این مدعا، کسانی هستند که در مدتی کوتاه، در دامان این مکتب به چنان مقام والای انسانی رسیدند که تا همیشه تاریخ الگوی بشریت خواهند بود. کسانی چون ابوذر غفاری، سلمان فارسی، میثم تمار و بسیاری کسان دیگر که از چشمه سار زلال اسلام ناب محمدی، سیراب شدند و در پرتو عمل به برنامه ها و احکام الهی این مکتب، از آغاز بعثت تاکنون، یکی پس از دیگری، جاده کمال و تعالی را به سرعت پیمودند و به اوج رستگاری رسیدند.

این همه نبوده است مگر به دلیل اینکه خداوند تبارک و تعالی با شناخت دقیق انسان، تمامی آنچه را برای رشد و ترقی او لازم و ضروری بوده، در آیین اسلام بیان کرده است. خواه اعمالی که انسان باید آنها را ترک کند و صفاتی که باید آنها را از خود دور سازد و خواه کارهایی که آدمی باید آنها را

ص: ۶

انجام دهد و ویژگی هایی که می بایست خود را به آنها بیاراید.

برنامه اسلام برای کمال انسان، در درجه اول، مجموعه ای از تکالیف است که اگر انسانی موفق به انجام کامل آنها شود؛ یعنی واجبات را چنان که باید، انجام دهد و از گناهان و محرمات آنچنان که خواسته شده است، دوری جوید، به مرتبه والای تقوا و عبودیت خواهد رسید. نبی گرامی اسلام فرمود:

إِعمَل بِفَرائِضِ اللّه ِ تَكُنْ أَتقَی النّاسِ.(۱)

به واجبات الهی عمل کن تا پرهیزکارترین مردم باشی.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

اَلْمُتَّقِیُّ مَنِ اتَّقَی الذُّنُوبَ.(۲)

پرهیزکار کسی است که از گناهان دوری گزیند.

بنابراین، رسیدن به مقام متقین که برترین مقام انسان است، جز با عمل به آنچه خداوند امر کرده (اوامر) و دوری جستن از آنچه او نهی کرده (نواهی)، امکان پذیر نیست. البته نباید از نظر دور داشت که این اوامر و نواهی، زمانی جنبه فردی دارد و تنها به رابطه انسان با خدای خویش مربوط می شود، مانند وجوب نماز یا حرمت شراب. زمانی نیز جنبه اجتماعی دارد و

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۷۱، ص ۱۹۶، ح۴.
۲- عبدالوهاب بن محمد تمیمی آمدی، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: شرح جمال الدین محمد خوانساری، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۹، ح۱۸۷۱.

مشخص کننده حقوق و تکالیفی است که افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر دارند. اعم از مواردی که مربوط به شیوه ارتباط، رفتار و گفتار ما با دیگران می شود یا مواردی که وظایف و تکالیف هر یک از ما را در مقابل افراد اجتماع مشخص می کنند. از دسته اول با عنوان «اخلاق فردی» و از دسته دوم با عنوان «اخلاق اجتماعی» یاد می شود.

در اخلاق اجتماعی به طور مشخص از حقوق و تکالیفی بحث می شود که اهل ایمان نسبت به یکدیگر دارند و موظفند که در مقابل دوستان، همکاران، نزدیکان و به طور کلی، مردم پیرامون خود، آنها را رعایت کنند.

در این کتاب، در پی بیان این حقوق و تکالیف هستیم، ولی قبل از پرداختن به بیان یکایک این حقوق و وظایف اجتماعی لازم است که مختصری در مورد مبانی این حقوق و آنچه ما را در مقابل افراد اجتماع خود و دیگر هم نوعان، مسئول و متعهد می سازد، صحبت کنیم؛ زیرا این موضوع، ریشه و منشأ آن حقوق و تکالیف به شمار می آید و بدون توجه به آن، الزامی برای عمل به مسئولیت های اجتماعی وجود نخواهد داشت.

ص :۸

۱. معنا و مفهوم حقوق

۱. معنا و مفهوم حقوق

«حقوق» در زبـان فارسـی در معـانی مختلفی به کـار می رود که مهم ترین آنهـا عبارتنـد از: جمع حق؛(۱) علمی که از قـوانین موضوعه بحث می کند؛(۲) اجرت کار کارمند دولت.(۳)

آنچه در این کتـاب از این کلمه اراده شـده، همـان معنـای نخست یعنی جمع حق است. حق نیز در معـانی لغوی و اصـطلاحی مختلفی به کار رفته که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

۱_۱. معنای لغوی حق

حق در زبان عربی و فارسـی معانی متعددی دارد و در موارد فراوانی به کار برده می شود که از آن جمله است: راست، درست (در مقابـل باطـل)، راستی، درستی، حقیقت، یقین، عـدل، داد، انصـاف، نصـیب، بهره، مزد، سـزاواری، شایسـتگی، ملک، مال، خدای تعالی و... .(۴)

۱- در زبان انگلیسی برای این معنا از حقوق از واژه «Right» استفاده می شود.

۲- حقوق در این معنا در زبان فارسی پیشینه ندارد و ترجمه کلمه «Law» در زبان انگلیسی است.

۳- ر.ك: محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج و دانش، ۱۳۶۸، ص ۲۳۰.

۴- ر.ك: محمد مرتضـی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۷۹_۸۰؛ علی اکبر دهخـدا، لغت نـامه، چـاپ اول از دوره جدیـد، تهران، مؤسـسه انتشـارات و چـاپ دانشـگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۶، صـص ۹۱۴۲_۹۱۴۳؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۶۳.

۲_۱. معنای اصطلاحی حق

در اصطلاح فقها، حق را این گونه معنا کرده اند:

حق عبارت است از سلطنت شخصی بر دیگری، خواه این دیگری، شخصی باشد، خواه چیزی دیگر مانند مال.(۱)

به بیان دیگر، می توان گفت حق عبارت از امتیاز، قدرت یا اختیاری است که از سوی شرع یا قانون به کسی داده می شود تا بر اساس آن بتواند در چیزی تصرف کند یا انجام کاری را از دیگری بخواهد.(۲)

۲. تقسیم بندی حقوق

۲. تقسیم بندی حقوق

در اصطلاحات فقهی، حق به اعتبارهای گوناگون تقسیم بندی می شود که یکی از آنها به اعتبار صاحب حق است. بر این اساس، حق به «حق اللّه » (حق خداوند) و «حق الناس» (حق مردم) تقسیم می شود.

حق اللّه ، حقی است که برای خداوند به اعتبار خالقیت، ربوبیت و ولایت او بر کل هستی ثابت شده است. این حق اصالت دارد و بندگان نه در جعل و اثبات و نه در اسقاط آن نقشی ندارند. بر خلاف حق الناس که خداوند جعل کرده است و بندگان امکان اسقاط آن را دارند.

حق الناس، حقی است که شارع مقدس آنها را برای مردم جامعه در نظر گرفته است. این حق معمولاً قابل نقل، انتقال و اسقاط است.(۳)

۱- شیخ محمدهادی تهرانی، «رساله حق و حکم»، تصحیح نعمت اللّه صفری، نامه مفید، سال اول، ش چهارم، زمستان ۱۳۷۴؛ سیدمحمد آل بحرالعلوم، بلغة الفقیه، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ق، بلغه الفقیه، ج ۱، ص ۱۳.

۲- البته باید توجه داشت که این تعریف تنها درباره حق مردم صادق است نه حق خداوند؛ زیرا حق خداوند را کسی جعل نکرده و برای او بالاصاله ثابت است.

۳- ر.ک: «رساله حق و حکم».

برخی در تعریف «حق الناس» چنین گفته اند:

حقی است که آن را قانون گذار برای فرد خاص یا افراد به خصوصی قرار داده است تا در پرتو آن، به منافع منظور دست یابند.(۱)

شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد در بیان تفاوت حق اللّه و حق الناس چنین می نویسد:

مقصود از حق خداوند اوامر اوست که بر طاعتش دلالت می کند، یا خود طاعت اوست؛ بدین جهت که اگر امر نباشد، عبادت مصداق «حق اللّه » قرار نمی گیرد. نتیجه سخن مزبور اینکه «امر» همان «حق اللّه » است؛ زیرا حقوق بندگان که مکلف به رعایت آن هستند، چون از جانب خداوند به ایشان امر شده _ خواه معامله باشد، خواه امانت یا حد یا قصاص یا دیه و غیر اینها _ مشتمل بر «حق اللّه » است. بنابراین، حق خداوند بدون حق بنده وجود دارد، مانند امر به نماز، اما حق عبد بدون حق خداوند متعال وجود ندارد.

قاعده در این امور چنین است که هر جا بنده بتواند چیزی را اسقاط کند، آن «حق الناس» است و آنچه را نمی تواند، «حق الناس» نیست؛ مانند حرمت ربا و حرمت بیع غرری که اگر متعاقدین رضایت دهند، چون حق خداوند متعال به آنها تعلق گرفته است، مباح نمی شود. و نیز حرمت دزدی و غصب برای محافظت مال، حرمت نسبت زنا برای حفظ آبرو، حرمت زنا برای حفظ نسب و حرمت قتل و جرح برای حفظ نسب و حرمت قتل و جرح برای حفظ نفس که رضایت مکلف در آنها لحاظ نمی شود.(۲)

ص: ۱۱

۱- سیدابوالفضل موسویان، ماهیت حق، چاپ اول،تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۲، ص۸۱.

۲- محمد بن مکی العاملی شهید اول، القواعد و الفوائد، قم، مکتبه المفید، ج ۲، ص ۴۲، قاعده ۱۶۱.

خلاـصه سـخن اینکه حق خداونـد یـا متعلق به امور عبـادی،ماننـد نماز، روزه، خمس، زکات و... است که در آنها جایی برای طرح حق بنـدگان وجود نـدارد یـا متعلق به امور غیر عبـادی ماننـد معاملاـت و مجـازات هـای شـرعی است که در آنها اگرچه بنـدگان به عنوان طرفین معامله یا طرفین دعوا مطرح هسـتند، ولی رضایت و توافق آنها هیـچ تأثیری در اسـقاط حق و در نتیجه حلال شـدن معامله ربوی، حایز شدن خرید و فروش مال حرام، برداشـته شدن مجازات زنا یا سـقوط حد سـرقت ندارد. در حق مردم، زمـام امر تنهـا به دست صـاحب حق است و اوست که می توانـد حق خود را اسـقاط کنـد یا از گناه کسـی که به حق او تجاوز کرده یا حق او را تضییع کرده است، بگذرد.

در این زمینه در بخش های بعدی بیشتر سخن خواهیم گفت.

۳. رابطه حقوق خداوند و حقوق مردم

۳. رابطه حقوق خداوند و حقوق مردم

همـان طور که خداونـد حق خویش را بر مـا واجب کرده و در مقابل نعمت های بی شـماری که بر ما ارزانی داشـته، اطاعت و بنـدگی خود را لاـزم کرده است؛ ما را به ادای حقوق دیگر برادران و خواهران خود موظف دانسته و بر ما واجب کرده اسـت که مسـئولیت هـا و وظایفی را که در مقابل هم نوعان خود داریم، رعایت کنیم. به عبارت دیگر، انسانی که اطاعت خداونـد را بر خود واجب شـمرده و خود را موظف می دانـد وظـایف و تکـالیفی را که خالق و ولیّ نعمت او برایش مقرر داشـته است، به جای آورد، تکالیف و مسـئولیت های اجتماعی را نیز بر خود واجب می دانـد؛ زیرا همین خالق، او را در مقابل افراد اجتماع نیز مسـئول دانسـته و مکلف داشـته است که به عنوان اطاعت از پروردگار خود، به وظایفی که در مقابل بنـدگان خـدا دارد، عمل کند.

در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است که:

جَعَلَ اللّهُ سُبْحانَهُ حُقُوقَ عِبادِهِ مُقَدَّمَهً عَلی حُقُوقِهِ، فَمَنْ قامَ بِحُقُوقِ عِبادِ

ص: ۱۲

اللّهِ کانَ ذلکَ مُؤَدِّیا إِلَی الْقِیامِ بِحُقُوقِ اللّهِ.(۱)

خداوند سبحان، حقوق بندگانش را بر حقوق خویش مقدم داشته است. پس هر کس که حقوق بندگان خدا را به جا آورد، همین امر سبب می گردد که او حقوق خداوند را نیز به جا آورد.

آن حضرت در بیانی دیگر می فرماید:

إِنَّ اللّه حَرَّمَ حَراما غَیْرَ مَجْهُولٍ و أَحَلَّ حَلالاً غَیْرَ مَدْخُولٍ و فَضَّلَ حُرْمَهَ الْمُسْلِمِ عَلَی الحُرَمِ کُلِّها، وَ شَدَّ بِالْاءِخْلاصِ وَالتَّوْحِیدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمینَ فِی مَعاقِدِها. فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسانِهِ وَیَدِهِ إِلاّ بِالْحَقِّ، وَ لایَحِلُّ أَذَی الْمُسْلِمِ إِلاّ بِمایَجِبُ.(۲)

خداوند، چیزهایی را که بر شما ناشناخته نیست، حرام کرده و چیزهایی را که در آنها عیبی نیست، بر شما حلال کرده و حرمت مسلمان را از هر حرمتی برتر داشته و حقوق مسلمانان را به اخلاص و یکتاپرستی پیوند داده است. پس مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند، مگر پای حق در میان باشد که گزند بر مسلمان جز در موردی که واجب باشد، روا نیست.

در جای دیگر نیز می فرماید:

قَضاءُ حُقُوقِ الْاءِخْوانِ أَشْرَفُ أَعْمالِ الْمُتَّقِینَ.(۳)

ادای حقوق برادران ایمانی [و عمل به وظیفه خود در مقابل آنها]، برترین و ارزشمندترین اعمال پرهیزکاران است.

۱- شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۷۰.
۲- نهج البلاغه امام علی بن ابی طالب، گردآوری: شریف رضی، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، صائب، ۱۳۸۴، خطبه ۱۶۶، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۲۹، ح۲۵.

با توجه به این احادیث روشن می شود که چگونه مکتب حیات بخش اسلام که درصدد تشکیل جامعه ای نمونه برآمده، میان رابطه فرد با خدای خود از یک سو و رابطه فرد با بندگان خدا از سوی دیگر، پیوستگی و ارتباط ایجاد کرده است تا بدانجا که انجام مسئولیت های اجتماعی از ارزشمندترین اعمال اهل تقوا برشمرده شده است. حتی پا را از این فراتر می گذارد و کسی را که مسئولیت های اجتماعی خود را نادیده می گیرد و حقوق برادران و خواهران ایمانی اش را پاس نمی دارد، سبک شمارنده دین خدا دانسته است. در کلامی از امام صادق علیه السلام آمده است:

مَنْ عَظَّمَ دِینَ اللّه ِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوانِهِ وَ مَنِ اسْتَخَفَّ بِدِینِهِ اسْتَخَفَّ بِإِخْوانِهِ.(۱)

هر کس دین خدا را بزرگ بشمارد، حق برادرانش را نیز بزرگ می شمارد و کسی که دین خدا را سبک می شمارد،] حق[برادرانش را هم سبک می شمارد.

بنابراین، انسان نمی تواند نسبت به جامعه ای که در آن زندگی می کند و افرادی که پیرامون او هستند، بی اعتنایی کند و تنها صلاح و مصلحت خود را در نظر داشته باشد؛ زیرا شرط ایمان و پای بندی به دین خدا، تلاش در جهت ادای تکالیف و مسئولیت هایی است که آدمی نسبت به دیگران برعهده دارد. همین تلاش، بهترین عبادتی است که بنده می تواند در درگاه خداوند داشته باشد. چنان که امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

ما عُبِدَ اللّهُ بِشَیْ ءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَداءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ.(۲)

خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است.

۱- همان، ص ۲۸۷، ح۱۳.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۷۰.

در جایی دیگر نیز تصریح می فرماید:

قالَ اللّه ُعَزَّوَجَلَّ: أَلْخَلْقُ عِیالِی فَأَحَبُّهُمْ إلَیَّ أَلْطَفُهُمْ بِهِمْ، وَ أَسْعَاهُمْ فِی حَوائِجِهِمْ.(۱)

خـدای ــ عزوجل ــ فرمود: آفریـدگان همه روزی خوار [تحت سـرپرستی] من هسـتند. پس هر کس به آنها بیشتر رسـیدگی و ملاطفت کند و در رفع نیازمندی های آنها بیشتر بکوشد، نزد من عزیزتر و دوست داشتنی تر است.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

أَعْرَفُ النّاسِ بِحُقُوقِ إِخْوانِهِ وَ أَشَدُّهُمْ قَضاءً لَها أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللّه ِ شَأْنا.(۲)

آن کس در پیشگاه خداوند دارای بالاترین جایگاه ها خواهد بود که حقوق مردم را بیشتر بشناسد و آنها را بهتر پاس دارد.

۴. متقابل بودن حقوق

۴. متقابل بودن حقوق

یکی از نکته هـای مهمی که در آموزه هـای اسـلامی بر آن تأکیـد شـده، ارتبـاط متقابل حقوق مردم است. به این بیان که اگر کسـی بر برادر یـا خواهر مؤمن خود حقی دارد، آن برادر و خواهر مؤمن نیز به طور متقابل بر او حق دارنـد. به بیان دیگر، همه حقوق، دو طرفه اند و تنها خداوند متعال به صورت یک طرفه بر مردم حق دارد.

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

وَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْیاءِ فِی التَّواصُفِ وَ أَضْیَقُها فِی التَّناصُفِ، لایَجْرِی لِأَحَدٍ

ص: ۱۵

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۳۶، ح ۱۱۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۷، ح ۱.

إِلاّ جَرَى عَلَيْهِ، وَ لايَجْرِى عَلَيْهِ إِلاّ جرى لَهُ، وَلَوْ كانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِىَ لَهُ وَلايَجْرِىَ عَلَيْهِ لكانَ ذلِكَ خالِصا لِلّهِ سُبْحانَهُ دُونَ خَلْقِهِ، لِقُدْرَتِهِ عَلى عِبادِهِ، وَ لِعَدْلِهِ فِى كُلِّ ما جَرَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضائِهِ.(۱)

حق در عرصه وصف، گسترده ترین اشیا و در مرحله انصاف، دقیق ترین و تنگ ترین امور است. کسی را بر دیگری حقی نیست جز آنکه دیگری را نیز بر او حقی خواهد بود (و برعکس). کسی که بر همگان حق دارد و هیچ کس را بر او حقی نیست، خدای تعالی است، نه غیر او؛ زیرا اوست که احاطه قدرت بر بندگان دارد و عدالتش در هر چه قضایش بر آن روان گردد، جاری است.

بنابراین، هرگز نباید انتظار داشت که دیگران حقوق ما را رعایت کنند، بی آنکه خود در پی رعایت حقوق آنها باشیم.

۵. گذشت ناپذیر بودن تجاوز به حقوق بندگان

۵. گذشت ناپذیر بودن تجاوز به حقوق بندگان

امام علی علیه السلام در بیانی بسیار زیبا با تقسیم بندی ستم به سه دسته، ستم و تجاوزی را که نسبت به دیگران روا داشته می شود، گذشت ناپذیر می داند. متن کامل سخنان آن حضرت به این شرح است:

أَلا وَ إِنَّ الظُّلمَ ثَلاثَةٌ: فظُلْمٌ لايُغْفَرُ، وَ ظُلْمٌ لايُترَكُ، وَ ظُلْمٌ مَغْفُورٌ لايُطْلَبُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِى لايُغْفَرُ فالشِّركُ بِاللّه ِ، قالَ اللّه ُسُبْحانَهُ: «إِنَّ اللّه َلايَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ»(۲) وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِى يُغْفَرُ فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهَناتِ. وَ

۱- نهج البلاغه، ص ۲۶۷، خطبه ۲۰۷.

۲- سوره نساء ۴، آیه ۴۸.

أَمَّا الظَّلْمُ الَّذِی لایُتْرَکُ فَظُلْمُ الْعِبادِ بَعْضِهِمْ بَعْضا.(۱)

بدانید که ستم سه گونه است: ستمی که هرگز آمرزیده نشود و ستمی که بازخواست گردد و ستمی که بخشوده است و بازخواست نشود. آن ستمی که هرگز آمرزیده نشود، شرک به خداست. خدای تعالی گوید: «همانا خداوند، کسی را که به او شرک ورزد؛ نمی بخشاید». ستمی که آمرزیده شود، ستم بنده است به خود به ارتکاب برخی کارهای ناشایست و ستمی که بازخواست می شود، ستم کردن مردم به یکدیگر است.

امام سجاد علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

یَغْفِرُ اللّه ُلِلْمُؤمِنِ کُلَّ ذَنْبٍ وَ یُطَهِّرُهُ مِنْهُ فِی الدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ ما خَلا ذَنْبَیْنِ: تَرْکُ التَّقِیَّهِ وَ تَضْیِیعُ حُقُوقِ الْاءِخْوانِ.(۲)

خداوند، تمامی گناهان اهل ایمان را می بخشد و ایشان را در دنیا و آخرت از گناهانشان پاک می سازد، مگر دو گناه؛ یکی، ترک تقیه (رازداری) و دیگری، از بین بردن حقوق برادران ایمانی.

بنابراین، باید بسیار مراقب بود و تلاش کرد که حقوق برادران و خواهران ایمانی مان را در همین دنیا ادا کنیم و اگر خدای ناکرده به حقی از حقوق آنها تجاوز کرده ایم، تا فرصت داریم از آنها طلب بخشایش کنیم؛ چرا که فردا بسیار دیر است و امکانی برای جبران وجود ندارد.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، ص ۲۲۸.

۲- محمد بن حسن حر العاملی، وسایل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۱، ص ۴۷۴، ح ۶.

۶. عظمت مقام مؤمنان

۶. عظمت مقام مؤمنان

در آموزه های اسلامی، انسان مؤمن از جایگاه و مرتبه بسیار والایی برخوردار بوده و برهیچ چیز به اندازه رعایت حقوق مؤمنان تأکید نشده است، تا آنجا که در برخی روایات، حرمت مؤمن از حرمت کعبه نیز بالاتر دانسته شده است.

در روایتی که در همین زمینه از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است، چنین می خوانیم:

رُوِی أَنَّ رَسُولَ اللّه ِ نَظَرَ إِلَی الْکَعْبَهِ فَقالَ: مَرحَبا بِالْبَیْتِ ماأَعْظَمَکِ و أعْظَمَ حُرمَتَکِ عَلَی اللّه ِ!؟ وَ اللّه ِ لَلمُؤمِنُ أعْظَمُ حُرْمَهً مِنْکِ لِأَنَّ اللّه َ حَرَّمَ مِنکِ واحِدَهً وَ مِنَ المُؤمِنِ ثَلاثَهً: مالَهُ وَ دَمَهُ و أَنْ یُظَنَّ به ظَنُّ السَّوءِ.(۱)

روایت شده است که پیامبر خدا نگاهی به کعبه کرد و فرمود: آفرین بر تو ای خانه [خدا]، چه عظمتی داری و چقدر حرمت تو در پیشگاه خدا عظیم است!؟ [اما] سوگند به خدا که حرمت مؤمن از تو عظیم تر است؛ زیرا خداوند، تو را تنها از یک جهت محترم داشته است، ولی مؤمن را از سه جهت: مال او، خون او و اینکه به او گمان بد برده شود.

از امام صادق علیه السلامنیز روایتی به همین مضمون نقل شده است.(۲)

پیامبر اعظم در روایتی دیگر شأن و مرتبه مؤمن را چنین توصیف می کند:

إِنَّ المُؤْمِنَ یُعرَفُ فِی السَّماءِ کَما یَعْرِفُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ و وَلَدَهُ، وَ إِنَّهُ لَأَکْرَمُ عَلَی اللّه ِ عَزَّوَجلَّ مِنْ مَلَکٍ مُقَرَّبٍ.(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۱، ح ۳۹.

۲- ر.ک: همان، ص ۷۱، ح ۳۵ و ج ۶۸، ص ۱۶، ح ۲۱.

۳- همان، ج ۶۸، صص ۱۸ و ۱۹، ح ۲۶.

به حقیقت، مؤمن در آسمان شناخته شده است، همچنان که مرد، خانواده و فرزندانش را می شناسد و همانا او نزد خداوند از فرشته مقرب نیز گرامی تر است.

در برخی روایات نیز آمده است که خداوند هیچ کس را به اندازه بنده مؤمنش دوست ندارد(۱) و هر کس مؤمنی را بیازارد، به جنگ با خدا برخاسته است.(۲)

روایات یاد شده، ما را به شأن و مرتبه مؤمنان در پیشگاه خداوند و در نتیجه، اهمیت حفظ حقوق آنان آگاه می سازد و بیش از پیش ما را نسبت به رعایت حقوق برادران و خواهران مؤمن خود یادآور می شود.

۷. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و حقوق اهل ایمان

اشاره

۷. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و حقوق اهل ایمان

حقوق مؤمنان در آموزه های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، جایگاه و نقش ویژه ای داشته و آن حضرت با دقت و ظرافت تمام، همه مصادیق و موارد این حقوق را مورد توجه قرار داده است. تا آنجا که به جرأت می توان گفت همه آنچه را مؤمنان در روابط خود با دیگران باید رعایت کنند، به عنوان حقی از حقوق مؤمنان در آموزه های نبوی مورد توجه قرار گرفته است.

ازاین رو، در این کتاب، ابتدا مصادیق و موارد مختلف حقوق مؤمنان بر مبنای روایات آن حضرت به طور اجمالی بیان شده و در ادامه، این مصادیق و موارد با استفاده از روایات اهل بیت علیهم السلام، تبیین و تشریح گردیده است.

محور اصلی مباحث این کتاب، روایتی است که در کتاب شریف وسائل الشیعه، از پیامبر گرامی اسلام، نقل شده و در آن، به سی حق از مهم ترین و اساسی ترین

۱- ر.ک: همان، ج ۷۱، ص ۱۵۸، ح ۷۵.

۲- ر.ک: همان، ج ۶۷، ص ۷۱، ح ۳۶.

حقوقی که هر مسلمان نسبت به دیگر هم کیشان خود دارد، اشاره شده است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: لِلْمُسْلِمِ عَلی أَخِیهِ ثَلاثُونَ حَقّا لابَراءَهَ لَهُ مِنْها إِلاّ بِالْأَداءِ أَوِ الْعَفْوِ: یَغْفِرُ زَلَّتَهُ، ـ وَیَرْحَمُ عَبْرَتَهُ، ـ یَسْتُرُ عَوْرَتَهُ، ـ یُقِیلُ عَثْرَتَهُ، ـ وَ یَقْبَلُ مَعْذِرَتَهُ؛ وَ یَرُدُّ غِیبَتَهُ، ـ وَ یُدِیمُ نَصیحَتَهُ، ـ وَ یَحْفَظُ خُلَّتَهُ، ـ وَ یَرْعی ذِمَّتَهُ؛ ـ وَ یَعُودُ مَرْضَتَهُ؛ وَ یَشْهَدُ مَیْتَتَهُ، وَ یُجِیبُ دَعْوَتَهُ، وَ یَقْبَلُ هَدِیَّتَهُ، وَ یُکافِیءُ صِلَتَهُ، وَ یَشْکُرُ نِعْمَتُهُ، وَ یُحْسِنُ نُصْرَتَهُ، وَ یَحْفَظُ حَلِیلَتَهُ، وَ یَقْضِی حاجَتَهُ، وَ یَشْفَعُ مَسْأَلَتَهُ، وَ یُسَمِّتُ عَطْسَتَهُ، وَ یُرْشِدُ ضالَّتَهُ، وَ یَرُدُّ سَلامَهُ، وَ یُطَیِّبُ کَلامَهُ، وَ یُبِرُّ إِنْعامَهُ، وَ یُصَدِّقُ أَقْسامَهُ، وَ یُوالِی وَلِیَّهُ وَ لایُعادِ [وَ یُعادِی عُدُوَّهُ(۱)] وَ یَنْصُرُهُ ظالِما وَ مَظْلُوما، فَأَمّا نُصْرَتُهُ ظالِما فَیَرُدُّهُ عَنْ ظُلْمِهِ، وَأَمّا نُصْرَتُهُ مَظْلُوما فَیُعِینُهُ عَلی أَخْذِ حَقِّهِ، وَلا یُسْلِمُهُ، وَ لایَخْذُلُهُ، وَ یُحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَیْرِ ما یُحِبُّ لِنَفْسِهِ، وَ یَکْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ ما یَکْرَهُ لِنَفْسِهِ، ثُمَّ قالَ عَلَیْهِ السَّلامِ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّهِ یَقُولُ: إِنَّ أَحَدَکُمْ لَیَدَعُ مِنْ حُقُوقِ أَخِیهِ شَیْئا فَیُطالِبُهُ بِهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ فَیُقْضی لَهُ وَ عَلَیْهِ.(۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر مسلمان بر برادر مسلمان خود سی حق دارد که برائت ذمه از این حقوق حاصل نمی شود مگر با ادا کردن آنها یا گذشت صاحب حق .

[۱] خطاهای او را ببخشد؛ [۲] بر سرشک او ترحم کند؛ [۳] عیوبش را بپوشاند؛ [۴] از لغزش او درگذرد؛ [۵] پوزش او را بپذیرد؛ [۶] بدگویی هایی را که درباره او می شنود، رد کند؛ [۷] پیوسته اندرزگو و

۱- در مأخذ اصلی نقل این حدیث کنز الفوائد عبارت به این گونه آمده است.

۲- وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵، ح ۲۴، به نقل از: محمد بن علی الکراجکی، کنزالفوائد، ص ۱۴۱.

خیرخواه او باشد؛ [۸] بر دوستی او ثابت قدم باشد؛ [۹] بر عهد و پیمانی که با او دارد، وفادار بماند؛ [۱۰] به هنگام بیماری او به دیدارش برود؛ [۱۱] در تشییع جنازه اش حاضر شود؛ [۱۲] دعوت او را اجابت کند؛ [۱۳] هدیه اش را بپذیرد؛ [۱۴] نیکی و احسان او را پاسخ گوید؛ [۱۵] قدرشناس نعمت او باشد؛ [۱۶] او را به نیکویی یاری کند؛ [۱۷] همسر و خانواده او را سرپرستی کند؛ [۱۸] نیازمندی او را برآورده سازد؛ [۱۹] به درخواست او پاسخ گو باشد؛ [۲۰] در هنگام عطسه [با گفتن جمله «یرحمَکَ اللّه »] برای او دعا کند؛ [۲۱] او را در یافتن گم شده اش راهنمایی کند؛ [۲۲] سلامش را پاسخ گوید؛ [۲۳] با او به خوبی صحبت کند؛ [۲۴] لطف و احسان او را ارج نهد؛ [۲۵] سوگندهای او را تصدیق کند؛ [۲۶] با دوست او دوستی کند؛ [۲۷] با او به دشمنی برنخیزد [با دشمنان او دشمنی کند]؛ [۲۸] او را در هر حال یاری کند، خواه ستمگر باشد و خواه ستم دیده، اما یاری او در حالی که ستم می کند، به این است که او را از ستم بر حذر دارد و اما یاری او در حالی که مورد ستم واقع شده، به این است که او را در گرفتن حقش یاری کند؛ [۲۹] او رابه حال خود وامگذارد و از یاری اش فروگذاری نکند؛ [۳۰] آنچه از خوبی ها برای خود می پسندد، برای او هم بپسندد و آنچه از بدی ها که برای خود نمی پسندد، برای او نیز نپسندد.

سپس امام علی فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که آن حضرت می فرمود: در روز قیامت، برادر مسلمان شما که حقی از حقوق او را ادا نکرده اید، در پیشگاه خداوند، حق خود را مطالبه می کند و خداوند نیز به نفع او و به ضرر شما حکم خواهد کرد.

پس از شناخت اساس و مبنای مسئولیت های اجتماعی و درک این موضوع که رعایت حقوق دیگر افراد جامعه، وظیفه ای الهی و از لوازم ایمان و تقوا است، به

بیان حقوقی می پردازیم که اهل ایمان نسبت به هم دارند.

و همچنین آشنایی اجمالی با حقوق سی گانه ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهرعایت آنها را بر همه مسلمانان لازم دانسته اند، به بررسی تفصیلی این حقوق می پردازیم.

باشد تا با شناخت این حقوق، متوجه تعهدات و مسئولیت های سنگینی گردیم که هریک از ما در مقابل افراد جامعه خود داریم و بتوانیم با ایفای این تعهدات، گامی در راه نیل به تقوا و مراتب کمال انسانی برداریم.

۱. چشم پوشی و گذشت

۱. چشم پوشی و گذشت

«يَغْفِرُ زَلَّتَهُ؛ خطاهای او را ببخشد».

یکی از حقوقی که هر مسلمان باید نسبت به برادران و خواهران مسلمان خود رعایت کند، این است که اگر لغزش و خطایی از یکی از آنها سر زد، مثلاً در حق او بی احترامی کرد یا نسبت به او رفتار ناشایستی داشت و به طور خلاصه آن گونه که سزاوار بود، با او رفتار نکرد؛ در کمال بزرگواری، از این خطا و کوتاهی او بگذرد و آن را نادیده بگیرد، نه اینکه درصدد مقابله به مثل برآید.

این گذشت و چشم پوشی از اوصاف انبیا و اولیا و انسان های کریم است. مولا علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

شَرُّ النّاسِ مَنْ لايَعفُو عَنِ الزَّلَّهِ وَ لا يَسْتُرُ الْعَوْرَه.(۱)

بدترین مردم کسی است که از لغزش های دیگران درنمی گذرد و عیوب دیگران را نمی پوشاند.

بعضی ها گمان می کنند که اگر هنگام قدرت داشتن بر انتقام و مقابله به مثل،

۱- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۱۷۵، ح ۵۷۳۵.

از کسی که نسبت به آنها خطایی مرتکب شده است، بگذرند، شخصیتشان خدشه دار می شود. این تفکر ناشی از وسوسه های شیطان برای گسترش کینه و عداوت میان خواهران و برادران مسلمان است؛ چراکه این عمل نه تنها حاکی از ضعف و زبونی کسی نیست، بلکه نشان دهنده کمال شخصیت و بزرگواری فرد است، چنان که پیامبر گرامی اسلام فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لايَزِيدُ الْعَبْدَ إِلاّ عِزّا فَتَعافُوا يُعِزُّكُمُ اللّه .(۱)

بر شما باد که عفو پیشه کنید؛ زیرا این کار سبب افزایش عزت بنده می گردد. پس از خطاهای یکدیگر درگذرید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

بنابراین، گذشت و نادیده گرفتن خطای دیگران، نه تنها کسی را کوچک نمی کند، بلکه مایه افزایش عزّت و شرافت شخص می شود. از اینها گذشته، کسی که در این دنیا از لغزش ها و اشتباه های دیگران درگذرد، خداوند نیز در روز قیامت از خطاهای او چشم پوشی می کند و آنها را نادیده می گیرد. قرآن کریم، بخشایش مردم را مقدمه آمرزش خداوند می داند و می فرماید:

... وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللّه لَكُمْ وَ اللّه غَفُورٌ رَحيمٌ.(۲)

... و باید عفو و گذشت کنند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشاید؟ و خدا آمرزنده مهربان است.

پس همواره بکوشید در محل کار، میان دوستان، محیط خانه و در برخورد با اطرافیان، بیشتر گذشت داشته باشید و از بدی های دیگران درگذرید تا هرچه بیشتر فضای صمیمیت و دوستی در جامعه و محیطی که زندگی می کنید، حکم فرما شود. مخصوصا اگر مسئولیتی برعهده دارید و

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۰۱، ح ۵.

۲- سوره نور ۲۴، آیه ۲۴.

چشم کسانی به رفتار شما دوخته شده است، می بایست بیش از همه از این خصلت برخوردار باشید تا بتوانید برای دیگران نیز الگو باشید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله که الگو و اسوه همه بشریت است، در بالاترین مرتبه گذشت و بخشش بود و حتی آن زمان که قدرت یافت، نسبت به سرسخت ترین مخالفان و دشمنان خود نیز گذشت و بزرگواری کرد.

آن حضرت در روز فتح مکه با اعلام عفو عمومی، خانه ابوسفیان، دشمن کینه توز خود را محل امن قرار داده و فرمود که هر کس به این خانه درآید، در امان من است. ایشان در آن زمان بیش از هر زمان دیگر قدرت داشت که از دشمنان خود انتقام بگیرد، ولی از این کار چشم پوشید تا رفتار ایشان سرمشقی برای امت اسلام باشد.

۲. دست گیری و هم دلی

۲. دست گیری و هم دلی

«یَرْحَمُ عَبْرَتَهُ؛ بر سرشک او ترحم کند».

در زندگی هر کس لحظاتی پیش می آید که فرد به حال درماندگی و ضعف کامل می رسد. مصیبت ها و گرفتاری ها چنان بر انسان فرود می آیند که قدرت هر کاری را از او سلب می کنند و به قول خودمان دستش از همه جا کوتاه می شود. گاهی ممکن است در اوج درماندگی و نومیدی بر بی پناهی خود به گریه بنشیند. در چنین لحظاتی، خواهران و برادران مسلمان باید احساس مسئولیت کنند و درصدد دلداری و تسلی خاطر برادر و خواهر گرفتار خویش برآیند و با رفع عوامل ناراحتی و گرفتاری های او، غم و اندوه را از دلش بزدایند. ازاین رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این بیان زیبا و تمثیلی که: «مؤمن باید بر اشک های برادر مؤمن خویش ترحم کند»، این حق را برای هر یک از مؤمنان نسبت به دیگر برادران مؤمن خود ثابت دانسته است که در زمان گرفتاری،

دست گیر یکدیگر بوده و از بی تفاوتی نسبت به حال هم برحذر باشند.

در فضیلت و ارزش این هم دلی و مساعدت، همین یک حدیث بس که امام صادق علیه السلام از جد بزرگوارش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

مَن أَغاثَ لَهْفانا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَغاثَهُ اللّه ُیَوْمَ لا ظِلَّ إِلاّ ظِلُّهُ وَ امَنَهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَکْبرِ وَ امَنَهُ عَنْ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ.(۱)

هر کس به فریاد دردمندی از مؤمنان برسد، خداوند در روز قیامت که پناهگاهی جز او نیست، از وی دست گیری می کند و از عظیم ترین ترس در روز قیامت امان می دهد و او را از بدسرانجامی نگاه می دارد.

پس اگر خواهان یاری و دست گیری خداوند در روز بازپسین و نجات یافتن از گرفتاری های هولناک جهان آخرت هستیم، باید که در این دنیا، بندگان خدا را یاری دهیم و آنان را دست گیری کنیم. چنان که مولانا فرمود:

اشک خواهی رحم کن بر اشک یار

رحم خواهی بر ضعیفان رحم آر

اگر شما به عنوان مسئول یا حتی کارمند و مأموری ساده در اداره یا سازمانی مشغول خدمت هستید و انسانی درمانده و گرفتار برای حل مشکل خویش به شما رو می آورد و از شما استمداد می جوید، شرط انصاف نیست که از کنار او بی اعتنا بگذرید و همت خود را صرف رفع مشکلات او نکنید.

در چنین مواقعی باید فکر کنید که جدا از مسئولیت های رسمی و اداری، وظیفه دارید به عنوان رعایت حقوق برادر مسلمان خود به یاری او بشتابید و

۱- بحارالانوار، ج ۸، ص۲۷۵، ح ۱۱۲.

جویای حال او باشید و به هر صورت ممکن، مشکلش را حل کنید که چه زیبا سروده است:

صدها فرشته بر آن دست بوسه می زنند

کز کار خلق یک گره بسته وا کند

۳. رازداری و خطاپوشی

۳. رازداری و خطاپوشی

«یَسْتُرُ عَوْرَتَهُ؛ عیوبش را بپوشاند».

آیا تاکنون برای شما پیش آمده است که بر عیب دوست، همکار، هم کلاسی یا یکی از خویشاوندان خود آگاه شوید یا از خطا و لغزشی که دیگری مرتکب شده است، اطلاع پیدا کنید؟ به یقین، برای هر کس چنین اتفاقی افتاده است. شما در چنین مواقعی چه می کنید؟ آیا سعی می کنید به هر کس که رسیدید، به عنوان یک خبر دست اول، عیب و خطای دوست و همکارتان را منتقل کنید یا اینکه نه، به قول معروف «شتر دیدی، ندیدی»، چشم را برهم می گذارید و از پخش کردن آن موضوع پرهیز می کنید؟

هر کس به وجدان خود مراجعه کند، تصدیق می کند که کار دوم پسندیده تر است و بیشتر به سلامت اجتماع کمک می کند. به نظر شما، اجتماعی که در آن، همه با روحیه اعتماد و اطمینان نسبت به یکدیگر برخورد می کنند و درصدد عیب جویی از دیگران برنمی آیند، برای زندگی مناسب تر و سالم تر است یا اجتماعی که در آن هر کس درصدد یافتن عیبی از دیگران یا نقطه ضعفی از اطرافیان خود است تا روی آن دست گذارد و همه جا پخش کند؟

مکتب حیات بخش اسلام و پیشوایان گران قدر آن، پیوسته به عنوان یک اصل در روابط میان برادران مسلمان، بر این نکته پافشاری کرده اند که

نبایـد در برخورد بـا دیگران همواره دنبـال نقـاط ضـعف و لغزش هـای آنـان و در پی عیب جویی و خرده گیری از ایشان بود، بلکه می بـایست اساس برخورد را بر صـحت و سـلامت دیگران قرار داد و اگر خـدای نخواسـته در موردی ثابت شـد که فلان شخص خطایی را مرتکب شده است، باید از پخش آن خودداری کرد.

از همین رو، پیامبر اسـلام، یکی از حقوق برادران مسلمان نسبت به یکـدیگر را این می دانـد که عیب پوش یکدیگر باشـند و پرده حجاب را از اعمال مخفی دیگران کنار نزنند. خود آن حضرت در این باره می فرماید:

مَنْ عَلِمَ مِنْ أَخِیهِ سَیِّئَهً فَسَتَرَها، سَتَرَ اللّهُ عَلَیْهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ.(۱)

هر کس از گناه برادر دینی اش آگاه شود، ولی آن را پوشیده دارد، خداوند نیز در روز قیامت، گناهان او را پوشیده می دارد.

از طرف دیگر نیز می فرماید:

یا مَعْشَرَ مَنْ امَنَ بِلِسانِهِ وَ لَمْ یَخْلِصِ الْاءِیمانُ إِلی قَلْبِهِ لاتَتَبَّعُوا عَوْراتِ الْمُؤمِنِینَ، فَإِنَّهُ مَنْ تَتَبَّعَ عَوْراتِ الْمُؤْمِنِینَ تَتَبَّعَ اللّه ُعَوْرَتَهُ، وَ مَنْ تَتَبَّعَ اللّه ُعَوْرَتَهُ فَضِحَهُ و لَوْ فِی جَوْفِ بَیْتِه.(۲)

ای گروه کسـانی که به زبـان ایمـان آورده انـد، ولی ایمان در قلب آنها وارد نشـده است، به دنبال خطاها و لغزش های مؤمنان نباشید؛ زیرا هر کس لغزش و خطای مخفی مؤمن را دنبال کند [تا او را بی آبرو سازد]خداوند

۱- علاءالدین علی المتقی الهندی، کنز العمال فی سـنن الأقوال و الأفعال، بیروت، مؤسـسه الرساله، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۵۰، ح ۶۳۹۱؛ محمد محمدی ری شـهری، میزان الحکمه، همراه با ترجمه فارسـی، مترجم: حمیدرضا شـیخی، چاپ دوم، قم، مؤسسـه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۴۲۲۰، ح ۱۴۶۸۸.
۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۱۴، ح ۱۰.

نیز در مقابل، اعمال زشت و لغزش های او را دنبال می کند و [در همین دنیا]او را رسوا می سازد، حتی اگر در گوشه ای از خانه خود [و دور از دیدگان]خلافی مرتکب شده باشد.

پس اگر دوست داریم که خداوند ما را رسوا نسازد و پرده از اعمال زشتمان برندارد، باید سعی کنیم خود نسبت به دیگران این گونه باشیم و اگر خدای نخواسته از کسانی باشیم که از بی آبرویی و هتک حیثیت دیگران شادمان می شوند و همواره گوش به زنگ و منتظر هستند تا لغزشی از دیگران مشاهده کنند و به رخ آنها بکشند، باید منتظر باشیم که خداوند نیز سرانجام ما را رسوا و انگشت نمای مردم سازد.

بنابراین، نتایجی که از این قسمت حاصل می شود، این است که:

۱. در روابط اجتماعی خود با دیگران، اصل را بر پوشیده نگه داشتن خطاها و لغزش های آنان بگذاریم و اسرار و مسائل مخفی دیگران را آشکار نکنیم.

۲. در پی عیب جویی و انتقاد از دیگران نباشیم، بلکه بیشتر متوجه عیب ها و ایرادهای خود باشیم؛ چرا که به قول سعدی:

گر هر دو دیده نبیند به اتفاق

بهتر ز دیده ای که نبیند خطای خویش

فایده این مطلب که انسان همواره متوجه عیوب خود باشد، این است که انسان از توجه به عیوب دیگران باز می ماند. امیرالمؤمنین علی علیه السلامفرمود:

لا تَتَّبِعَنَّ عُیُوبَ النّاسِ فَإِنَّ لَکَ مِنْ عُیُوبِکَ إِنْ عَقَلْتَ ما یَشْغَلُکَ أَنْ تَعِیبَ

أَحَدا.(۱)

هرگز عیوب مردم را پی جویی مکن؛ چرا که برای تو عیوبی است که اگر در آنها اندیشه کنی، فرصتی برای پرداختن به عیب های دیگران نمی یابی.

از طرف دیگر، کسی که به دنبال یافتن ایراد و نقطه ضعفی از دیگران باشد، دوستان خود را از دست می دهد و کسی مایل به معاشرت با او نخواهد بود.

۳. اساس برخورد و ارتباط با برادران و خواهران دینی را همواره بر خوش گمانی به آنها بگذاریم که به قول سعدی شیرازی:

هرکه را جامه پارسا بینی

پارسا دان و نیک مرد انگار

ور ندانی که در نهانش چیست

محتسب را درون خانه چه کار؟

این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که وقتی یکی از یاران امام موسی کاظم علیه السلام به آن حضرت عرض می کند:

گاهی اتفاق می افتد که باخبر می شویم یکی از برادران ایمانی کار ناشایستی انجام داده است، ولی وقتی از خود او سؤال می کنیم، به کلی منکر می شود و آن خبر را تکذیب می کند، در حالی که ما آن خبر را از افرادی مورد اطمینان شنیده بودیم؛ در این موارد چه کنیم؟ [حرف آن افراد مورد اطمینان را قبول کنیم و یا حرف خود او را که منکر آن عمل شده است؟]

امام در جواب می فرماید:

۱- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۱۰۲۹۵.

یا مُحَمَّدُ! کَذِّبْ سَمْعَکَ و بَصَرَکَ عَنْ أَخیکَ، فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَکَ خَمْسُونَ قَسامَهً و قالَ لَکَ قَوْلاً، فَصَدِّقْهُ و کَذِّبْهُمْ و لا تُذِیعَنَّ عَلَیهِ شیئا تُشِینُهُ بِهِ وَتُهدِمُ بِهِ مُرُوَّتَهُ فَتَکُونُ مِنَ الَّذینَ قالَ اللّه عزَّوَجَلَّ: «إِنَّ الَّذینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشِیعَ الفاحِشَهُ فِی الـذِّینَ امَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ فِی الدُّنیا وَ الاخِرَه»(۱).(۲)

ای محمد! دیده ها و شنیده های خود را در مورد برادرت تکذیب کن [و به او گمان ناروا نبر]، حتی اگر پنجاه نفر از افراد مورد اطمینان نزد تو شهادت دهند که فلان برادر دینی ات خلافی مرتکب شده است، ولی خود او حرف دیگری بزند و نسبتی را که به او داده اند، قبول نکند، تو باید حرف آن پنجاه نفر را نپذیری و قول او را تصدیق کنی. هرگز درباره برادرت، چیزی را که موجب زشتی و بی آبرویی او می شود و حیثیتش را می برد، منتشر نکن؛ چرا که در این صورت از کسانی خواهی بود که خدا درباره آنها فرموده است: «کسانی که دوست دارند زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود...».

البته باید توجه داشت که این سخن امام هفتم شیعیان در محدوده ارتباطات اجتماعی برادران و خواهران مسلمان مطرح شده و هدف ایشان این بوده است که نباید اجازه داد حرمت و حیثیت دیگران به هر قیمتی در جامعه شکسته شود؛ زیرا حفظ آبروی افراد تا بدان حد ارزشمند است که نمی توان به صرف شنیدن اخبار و شایعاتی به خود اجازه نقل و پخش آن را داد و سبب هتک حرمت دیگران شد. ازاین رو، تنها به قول خود شخص

۱- سوره نور ۲۴، آیه ۱۹.

۲- شیخ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثا، چاپ اول، قم، دارالاسوه للطباعه و النشر،۱۴۱۴ ق، ج ۵، صص ۳۹۴ و ۳۹۵.

اعتماد می کنیم، ولی وقتی موضوعی در دادگاه و نزد قاضی مطرح می شود، دیگر این گونه نیست که قاضی به صرف انکار شخص اکتفا کند و قول شهادتدهندگان را نپذیرد، بلکه در آنجا اصول و قواعد دیگری مطرح است که با آنچه در اینجا در محدوده روابط اجتماعی افراد با یکدیگر بیان شد، فرق دارد.

در اینجا لازم است به عزیزانی که مسئولیتی بر عهده دارند یا در رأس اداره و سازمانی هستند، توصیه کنیم که اجازه ندهند بعضی از زیردستانشان به خاطر چاپلوسی و تقرب به ایشان، به بدگویی و عیب جویی دیگران بپردازند و با آبروی آنها بازی کنند، چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام به کارگزاران خود سفارش می کرد:

وَلْيَكُنْ أَبعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَأُهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُم لِمَعايِبِ النّاسِ.(۱)

و باید که دورترین افراد رعیت از تو و دشمن ترین آنان نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران عیب جوی مردم است.

سعدی نیز ما را از توجه به عیب جویان برحذر می دارد و می گوید:

هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد

بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد

۴. درگذشتن از لغزش

۴. درگذشتن از لغزش

«يُقِيلُ عَثْرَتَهُ؛ از لغزش او درگذرد».

افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند، در برابر یکدیگر متعهد و

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۸۲.

مسئول هستند. در واقع، آنان همه مانند حلقه های یک زنجیر به هم پیوسته اند و شکستن یکی از حلقه ها به معنی از هم پاشیدن تمام حلقه هاست، چنان که گفته اند:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار(۱)

اگر به این پیوند و ارتباط اجتماعی، مودت و برادری دینی را نیز اضافه کنیم، وظیفه ما در مقابل اطرافیان و دوستانمان افزایش می یابد. به یقین، دو برادر مسلمان نسبت به یکدیگر تعهد و مسئولیت بیشتری دارند و باید بیش از دیگران یاور و پشتیبان هم باشند، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله‌می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَما يَسْكُنُ قَلْبُ الظَّمْانِ إِلَى الْماءِ الْبارِدِ.(۲)

مؤمن در کنار برادر مؤمنش آرامش می یابد، همچنان که قلب انسان تشنه با آب خنک آرامش می یابد.

این احساس وظیفه در برابر یکدیگر گاهی اهمیت بیشتری می یابد و آن زمانی است که مشاهده می کنیم لغزشی از برادر دینی ما سر زده است و

۱- این شعر مضمون حدیثی است از امام صادق علیه السلام که می فرماید: «أَلْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِالواحِدِ، إِنْ اشْتَكى شَيْئا مِنْهُ وُجِدَ أَلَمُ ذلكَ فِي سائِرِ جَسَدِه، وَ أَرْواحُهُما مِنْ رُوحٍ واحِدٍ». الکافی، ج۲، ص ۱۶۶، ح۴. لازم است توجه کنیم که این حدیث از مؤمنان سخن می گوید، نه همه انسان ها.

۲- بحارالانوار، ج۷۴، ص ۲۸۰، ح۶.

احتمـال می دهیم که پس از مـدتی، چنـان در گرداب گنـاه و انحراف فرو می رود که هیـچ امکـانی برای بازگشت به صـراط مسـتقیم برای او باقی نخواهـد مانـد. در این مورد، ما نباید با بی اعتنایی شاهد و ناظر باشـیم و به مجرد اینکه احساس کردیم او کمی از مسیر صـحیح منحرف شـده است، از وی کناره گیری کنیم، بلکه بایـد خود را موظف بدانیم که اولاً از لغزش های او درگذریم و ثانیا او را حفظ و از سقوطش به وادی تباهی و انحطاط جلوگیری کنیم.

بر اسـاس همین رابطه مودت و برادری ایمـانی است که خداونـد متعال، امر به معروف و نهی از منکر را بر مؤمنان لازم دانسـته است و می فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ... .(1)

مردان مؤمن و زنان مؤمن، بعضـی از ایشان بر بعضـی دیگر ولایت و سـرپرستی دارنـد. [از همین رو،] یکدیگر را به معروف وا می دارند و از منکر باز می دارند... .

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید:

[خداوند متعال] بعد از آن تذکر و بیان حال منافقین، اینک حال عامه مؤمنین را بیان می کند و می فرماید:

«مردان و زنـان بـا ایمـان اولیـای یکدیگرنـد» تا منافقین بداننـد نقطه مقابل ایشان مؤمنین هسـتند که مردانشان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان، همه در حکم یک تن واحدند و به همین جهت، بعضـی از ایشان امور بعضـی دیگر را عهده دار می شونـد. به همین جهت است که هر کـدام دیگری را به معروف امر می کند و از منکر نهی می نماید. آری، به خاطر ولایت داشـتن ایشـان در امور یکـدیگر است، آن هم ولایتی که تا کوچک ترین افراد اجتماع راه دارد که به خود اجازه می دهنـد هر یک

ص:33

1- سوره توبه 9، آیه 71.

دیگری را به معروف واداشته و از منکر باز بدارد.(۱)

می توان گفت امر به معروف و نهی از منکر که برای جلوگیری از سقوط و انحطاط اخلاقی اهل ایمان به عنوان یک واجب بر عهده تک تک مؤمنان گذاشته شده است، در احساس تعهد و مسئولیت مؤمنان نسبت به یکدیگر ریشه دارد. به عبارت دیگر، امر به معروف و نهی از منکر حقی است که هر مؤمن بر عهده برادر مؤمن خویش دارد و تکلیفی است که هر عضو اجتماع به حکم تعهد انسانی و وظیفه دینی باید آن را ایفا کند.

۵. پوزش پذیری

۵. پوزش پذیری

«یَقبَلُ مَعذِرَتَهُ؛ پوزش او را بپذیرد».

در همه محیط های اجتماعی و در میان تمامی کسانی که به گونه ای با یکدیگر در ارتباط هستند، خواه دو برادر، دو خواهر، دو دوست یا دو همکار، در هر حال مسائلی پیش می آید که سبب ناراحتی و دل گیر شدن یکی از دو طرف می گردد و این معمولاً، امری اجتناب ناپذیر است. نکته مهم و قابل توجه اینجاست که در این مواقع چه باید کرد؟ آیا با پیش آمدن کوچک ترین ناراحتی یا دیدن برخوردی ناشایست از دوست و برادر و خواهر ایمانی خود، باید پیوندهای دوستی مان را از یکدیگر بگسلیم و اجازه دهیم که روز به روز فاصله بین ما زیادتر گردد؟ آیا باید بگذاریم این امر زمینه ای برای سوء استفاده کسانی شود که نمی توانند رابطه نزدیک و دوستانه برادران و خواهران مسلمان را ببینند؟

به راستی اگر در رابطه بین شما و دوستانتان مسئله ناراحت کننده یا اگر

ص: ۳۴

۱- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمد باقر موسوی همدانی، چاپ اول، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۵۲۹.

دوستی نسبت به شما بی مهری و در حق شما کوتاهی کرد، ولی او پس از مدتی، پشیمان شد، شما با او چگونه رفتار می کنید؟ آیا عذرش را می پذیرید و از خطای او می گذرید یا اینکه آتش کینه تان همچنان شعله ورتر می ماند؟

پیامبر گرامی اسلام در وصیت خویش به امیرالمؤمنین علی علیه السلامفرمود:

یا عَلیُّ مَنْ لَمْ یَقبَلْ مِنْ مُتَنَصِّلٍ عُذْرا، صادِقا کانَ أَوْ کاذِبا، لَمْ یَنَلْ شَفاعَتِی.(۱)

ای علی! هر کس عذر دیگری را که از او بخشایش می طلبد، نپذیرد، شفاعت من شامل حال او نمی شود، خواه آن شخص که عذر می آورد و خود را تبرئه می کند، در ادعای خود صادق باشد، خواه دروغ گو.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث تصریح می فرماید که شما به این کار نداشته باشید که آیا واقعا شخصی که معذرت خواهی می کند و درصدد تبرئه خویش است، راست می گوید یا دروغ، بلکه وظیفه شماست که در هر حال، حرفش را بپذیرید و عذرش را قبول کنید.

در حدیثی از امام زین العابدین علیه السلام آمده است که:

إِنْ شَتَمَکَ رَجُلٌ عَنْ یَمِینِکَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلی یَسارِکَ وَ اعْتَذَرَ إِلَیْکَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ.(۲)

اگر کسی در طرف راست شما ایستاد و به شما دشنام و ناسزایی گفت، ولی بعد به طرف چپ شما آمد و عذرخواهی کرد، عذر او را بپذیرید.

این اخلاق نشانه کمال بزرگواری و اوج ایمان شخص است. هر کدام از ما باید سعی کنیم که به تدریج در ادای کامل این حق دوستان و اطرافیانمان؛ یعنی

۱- وسائل الشیعه، ج۸، ص۵۵۳، ح ۱.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص۱۴۱، ح ۳۴.

پذیرش عذر خطاهای ایشان، گام برداریم و به این صفت کریمان بیش از پیش آراسته گردیم.

۶. رد کردن سخنان بدگویان

۶. رد کردن سخنان بدگویان

«یَرُدُّ غِیبَتَهُ؛ بدگویی هایی را که درباره او می شنود، رد کند».

همه شما عزیزان کم و بیش با گناه بزرگ غیبت و بدگویی دیگران آشنا هستید و می دانید که در آیات و روایات با چه شدتی از آن یاد شده است و مؤمنان را از آن برحذر داشته اند. آنچه در اینجا به عنوان یکی از حقوق مؤمنان درصدد بیان آن هستیم، این است که همه ما وظیفه داریم افزون بر اینکه از غیبت و بدگویی نسبت به دیگران خودداری می کنیم و شنونده غیبت نیز نمی شویم،(۱) در مرحله بالاتر باید سعی کنیم اگر در محفلی حضور داشتیم و شنیدیم از برادر یا خواهر مسلمانی در غیاب او بدگویی می شود، برای حفظ حیثیت و آبروی آن برادر یا خواهر، سخنان غیبت کننده را رد و از کسی که خود برای پاسخ گویی در مجلس حضور ندارد، دفاع کنیم و اجازه ندهیم که شخصیت اجتماعی مسلمانی زیر سؤال برود. چنان که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرموده است:

مَنْ رَدَّ عَنْ أَخِیهِ غِیبَهً سَمِعَها فِی مَجْلِسٍ رَدَّ اللّه ُعَنْهُ أَلفَ بابٍ مِنَ الشَّرِّ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ... .(۲)

هر کس در مجلسی حضور داشت و شنید که از برادرش به بدی یاد

۱- در روایات تصریح شده است که «غیبت کردن» و «غیبت شنیدن» در حرمت یکسان هستند. از جمله در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «اَلسّامِعُ لِلْغِیبَهِ کَالْمُغْتابِ؛ شنونده غیبت مانند غیبت کننده است». غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۷، ح ۶.

می کنند، ولی او ساکت ننشست و آن سخنان را رد کرد [و آبروی برادر مسلمان خود را حفظ کرد]، خداوند نیز او را در دنیا و آخرت از هزار شرّ و بدی حفظ می کند... .

در مقابل:

... فَإِنْ لَمْ یَرُدَّ عَنْهُ وَ أَعْجَبَهُ کانَ عَلَیْهِ کَوِزْرِ مَنِ اغْتابَ.(۱)

اگر در برابر بدگویی هایی که به برادر مؤمنش می شود، ساکت نشست و نه تنها از او دفاع نکرد، بلکه از آن سخنان به هیجان آمد [و با تمام وجود به آنها گوش داد]، در گناه شخص غیبت کننده، شریک خواهد بود.

۷. اندرزگویی و خیرخواهی

۷. اندرزگویی و خیرخواهی

«یُدِیمُ نَصِیحَتَهُ؛ پیوسته اندرزگو و خیرخواه او باشد».

از قدیم گفته اند که «انسان جایز الخطاست» و همه در معرض لغزش و اشتباه هستند. ازاین رو، لازم است در هر اجتماعی، کسانی که به گونه ای با یکدیگر در ارتباط هستند و پیوند دوستی و برادری یا رابطه خویشاوندی میان آنها برقرار است یا دست کم در مسلمان بودن با یکدیگر مشترکند، به عنوان وظیفه انسانی و اسلامی و به حکم محبت و دل سوزی بر رفتار اطرافیان خود نظارت کنند تا اگر خدای نخواسته مشاهده کردند که آنها راه خطا در پیش گرفته اند، با نصیحت و پند و اندرزی که از صمیم قلب و از سر خیرخواهی برخاسته است، آنها را متوجه خطا و اشتباه خویش سازند و طریق رستگاری و زندگی سعادتمندانه را به ایشان نشان دهند. اگر با وجود قدرت بر انجام چنین کاری، در انجام آن کوتاهی کنند، مشمول این حدیث

۱- همان.

امام صادق علیه السلامخواهند شد که:

مَن رَأی أَخاهُ، عَلی أَمْرٍ یَکْرَهُهُ فَلَمْ یَرُدَّهُ عَنْهُ، وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَیْهِ، فَقَدْ خانَهُ.(۱)

هر کس برادرش را بر امر ناشایستی ببیند و با وجود توانایی بر بازداشتن ولی، او را از این کار منع نکند، به او خیانت کرده است.

از آن طرف باید بدانیم که اگر از سر دل سوزی و خیرخواهی به نصیحت دیگران بپردازیم، اجر عظیمی در انتظار ما خواهد بود، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وعده داده است:

إِنَّ أَعْظَمَ النّاسِ مَنْزِلَهً عِنْدَ اللّه ِیَوْمَ الْقِیامَهِ أَمْشاهُمْ فِی أَرْضِهِ بِالنَّصِیحَهِ لِخَلْقِهِ.(۲)

در روز قیامت، مقام و منزلت کسی بیش از همه خواهد بود که در طریق نصیحت برادرانش بیشتر گام برداشته باشد.

البته باید در نظر داشت که نصیحت ها و سفارش های ما آن گاه در دیگران اثر می کند که با مهربانی و ملاطفت همراه باشد و از سر دلسوزی و احساس مسئولیت انجام پذیرد. اگر خدای نخواسته پند و اندرز، اندکی همراه با تحقیر و سرزنش یا از سر اظهار فضل و بزرگ نشان دادن خود باشد، نه تنها هیچ تأثیری ندارد، بلکه ممکن است شخص نصیحت شونده را در طریق اشتباهی که در پیش گرفته است، مصمّم تر کند. بنابراین، نصیحت کننده باید دلسوز و مهربان باشد و در کمال لطف و صفا به این عمل اقدام کند. انبیای الهی که در رأس ناصحان و اندرزدهندگان به انسان ها هستند، چنین بودند و هر یک از آنها این گونه مردم را خطاب می کردند:

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶۵، ح ۲.
۲- الکافی، ج۲، ص۲۰۸، ح ۵.

أَبَلِّغُکَمْ رِسالاتِ رَبِّی وَ أَنَا لَکَمْ ناصِحٌ أَمِینٌ.(۱)

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.

علاوه بر این خصوصیت، نکات دیگری نیز وجود دارد که باید هنگام نصیحت به آنها توجه کرد:

۱. اگر چه ما گفتیم همه برادران و خواهران ایمانی وظیفه دارند مراقب احوال برادران و خواهران خود باشند تا مبادا به لغزش بیفتند، ولی این موضوع نباید بهانه ای برای تجسس و دقیق شدن های بی مورد در زندگی و احوال شخصی دیگران شود. به عبارت دیگر، زمانی وظیفه ارشاد و راهنمایی دیگران بر عهده ماست که از امور ظاهری و رفتار روزانه دوست، برادر، خواهر یا خویشاوند خود و اظهارات خود آنها متوجه خطا و لغزشی شویم. بنابراین، انجام این وظیفه نباید بهانه ای شود برای داخل شدن در محدوده زندگی خانوادگی و شخصی دیگران و پی جویی و کاوش بی مورد در آنچه از نظر ما پوشیده مانده است.

۲. باید نصیحت کردن دیگران در خفا و دور از چشم اغیار صورت گیرد؛ زیرا هر کس برای خود شخصیتی دارد که باید آن را محترم بداریم و از ضربه زدن به آن خودداری کنیم. چنان که امام علی علیه السلام فرموده است:

نُصحُکَ بَینَ الْمَلَأِ تَفرِیعٌ.(۲)

نصیحت کردن در پیش چشم دیگران [سبب خرد شدن شخصیت فرد و] در حکم سرزنش است.

۳. همان طور که وظیفه برادران و خواهران مسلمان نسبت به یکدیگر

۱- سوره اعراف ۷، آیه ۶۸.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج۶، ص۱۷۲، ح۹۹۶۶.

سفارش به خیر و اندرزگویی است، شخص نصیحت شونده نیز باید سخنان خیرخواهانه برادران و خواهران ایمانی اش را محترم شمارد و بدان عمل کند. شاعر چه خوش سروده است:

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند

جوانان سعادتمند، پند پیر دانا را(۱)

ائمه ما نیز «عمل کردن به نصیحت را از بزرگ ترین موفقیت ها»(۲) و «مخالفت کردن با خیرخواهی دیگران را مایه هلاکت»(۳) دانسته اند.

مولانا می فرماید:

پند پیران را پذیرا شو به جان

تا رهی از خوف و مانی در امان

۸. پایداری بر دوستی

اشاره

۸. پایداری بر دوستی

«یَحْفَظُ خُلَّتَهُ؛ بر دوستی او ثابت قدم باشد».

یکی از بهترین کلمات و دل انگیزترین واژه های هستی، «دوستی» و یکی از گران بهاترین گوهرهای عالم، «دوست باوفا» و «یار صادق» است؛ چرا که چنین دوستانی بهترین سرمایه و پشتیبان انسان در هنگام آسایش و سختی

۱- حافظ.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج۶، ص۲۰، ح ۹۳۰۵: «مِن أَکبرِ التَّوفیقِ الْأَخْذُ بِالنَّصِیحَهِ».

۳- همان ، ج۵، ص۱۵۳، ح ۷۷۴۳: «مَنْ خالَفَ النُّصْحَ هَلَکَ».

هستند و از همین روست که امام علی علیه السلام می فرماید:

عَلَیکَ بِإِخْوانِ الصِّدْقِ، فَأَکْثِرْ مِنِ اکْتِسابِهِمْ، فَإِنَّهُمْ عُدَّهٌ عِنْدَ الرَّخاءِ وَ جُنَّهٌ عِنْدَ الْبَلاءِ.(۱)

دوستان راستین [در گفتار و کردار] برگزیده و این گونه دوستانت را زیاد کن؛ زیرا چنین دوستانی امید و سرمایه انسان به گاه آسایش و پناهگاه امن او به گاه بلا و مصیبت هستند.

بنابراین، انسان در درجه اول باید سعی کند تا می تواند شمار دوستانش را افزایش دهد که به قول معروف، «هزار دوست، کم است و یک دشمن، زیاد». در مرتبه بعد پیوسته مواظبت کند که دوستان خویش را از دست ندهد؛ زیرا هرکه این گوهر به دستش برسد و قدرش را نداند و آن را از دست بدهد، از جاهل ترین و زیان کارترین مردم روزگار است. امیرمؤمنان علی علیه السلاممی فرماید:

أَعْجَزُ النّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِکْتِسابِ الْاِءخْوانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَیَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ.(۲)

عاجزترین مردم کسی است که نتواند دوستی پیدا کند و عاجزتر از او کسی است که دوست خوبی را از دست بدهد.

مولانا نیز می فرماید:

هر که او از هم زبانی شد جدا

بی زبان شد، گرچه دارد صد نوا

ص: ۴۱

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۷، ح۷.

۲- همان، ص ۲۷۸، ح ۱۲.

در انتخـاب دوست بایـد نهـایت دقت و مراقبت را داشت و با هر کسـی نبایـد طرح دوستی ریخت؛ زیرا دوست تأثیر زیادی در انسان دارد و می توانـد به شخصـیت او شـکل بدهـد. افزون برآن، هر کس به طور معمول خوی و خصـلت دوست خود را می گیرد و مردم نیز از روی دوستان یک فرد در مورد او قضاوت می کنند. پس باید در انتخاب دوست و معاشر خود دقت لازم را به عمل آوریم تا خدای نخواسـته بعدها دچار پشیمانی و حسرت نشویم. چنان که بعضی افراد در روز قیامت انگشت ندامت به دندان می گزند و می گویند:

یا وَیْلَتی لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلانا خَلِیلًا.(۱)

ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم.

بنابراین به مصداق این شعر که:

هم نشین تو از تو به باید

تا تو را عقل و دین بیفزاید

باید به دنبال کسی بود که هم نشینی با او سبب رشد شخصیت ما شود و به صلاح دین ما باشد.

در روایات اسـلامی به موضوع انتخاب دوست و حفظ آن اهمیت بسـیاری داده شـده و مباحث مختلفی در روایات مطرح شـده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- سورن فرقان ۲۵، آیه ۲۸.

خصوصیات دوست خوب

خصوصیات دوست خوب

با توجه به مجموعه احادیثی که به نحوی ما را از دوستی با گروهی خاص منع کرده اند، می توان گفت کسانی که دارای خصوصیات زیر باشند، صلاحیت دوستی و هم نشینی را ندارند: آلودگی به گناه، دروغ گویی، عیب جویی، سخن چینی، بخل و تنگ نظری، حسد، ترس، طمع و خودپسندی، جهل و حماقت.(۱)

همچنین در روایات، دوستی با این افراد ستایش و ترغیب شده است: کسانی که از گناه و معصیت دوری می کنند، دست و دل باز، نظربلند، عذرپذیر، با گذشت، بزرگوار، بردبار و صبورند و در سختی و گشایش همراه انسان هستند.(۲)

آنچه برشمردیم، مهم ترین خصلت هایی است که در روایات آمده است. ممکن است خصوصیات دیگری نیز باشد که ما در اینجا آنها را بیان نکرده باشیم، ولی می توان همه آنها را در این جمله رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آلهخلاصه کرد که:

خَیْرُ إِخْوانِکَ مَنْ أَعانَکَ عَلی طاعَهِ اللّه ِ وَ صَدَّکَ عَنْ مَعاصِیهِ وَ أَمَرَکَ بِرِضاهُ.(۳)

بهترین دوستان تو، کسی است که بر طاعت خدا یاری ات کند و از مخالفت او بر حذرت دارد و تو را به آنچه رضای اوست، فرمان دهد.

حفظ و تداوم دوستی ها

حفظ و تداوم دوستی ها

تا اینجا با شرایط و خصوصیات یک دوست خوب آشنا شدید، ولی نکته مهم تر این است که اگر بعد از سال ها تلاش و جست وجو به دوست و یاوری

ص: ۴۳

۱- ر.ک: بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۰ به بعد؛ باب من لاینبغی مجالسته و مصادقته و مصاحبته؛ همچنین ر.ک: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۶.

۲- ر.ک: بحارالانوار، ج ۷۷، صص ۲۶۹ _ ۲۷۱؛ میزان الحکمه، ج ۱، صص ۸۱ و۸۲.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲۶۹.

وفـادار دست یـافتیم، با او چگونه رفتار کنیم و چه مسائلی را رعایت کنیم تا دوستی ما پابرجا بمانـد و دوست خوب خود را از دست ندهیم؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه ویژگی هایی که سبب حفظ و تداوم دوستی ها می شود، می فرماید:

لا تَذْهَبِ الْحِشْمَهَ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ أَخِیکَ وَ أَبْقِ مِنْها، فَإِنَّ ذَهابَ الْحِشْمَهِ ذَهابُ الْحَیاءِ وَ بَقاءَ الْحِشْمَهِ بَقاءُ الْمَوَدَّهِ.(۱)

در روابـط دوسـتانه ات بـا دیگران همواره وقـار و ادب خود را حفـظ کن تـا پرده هـای حیا و شـرم از بین نرود و بـدین وسـیله دوستی های شما پایدار بماند.

امام صادق علیه السلام نیز در یکی از وصایای خود به محمد بن نعمان در این زمینه می فرماید:

إِنْ أَرَدْتَ أَنْ یَصْفُولَکَ وُدُّ أَخِیکَ فَلا تُمازِحَنَّهُ، وَلاتُمارِیَنَّهُ وَ لا تُباهِیَنَّهُ وَ لاتُشارَنَّهُ.(۲)

اگر می خواهی دوستی بین تو و برادرت خـالص و صـمیمی بـاقی بمانـد، از چنـد چیز برحـذر باش: از مزاح و شوخی [بیش از حد] با او بپرهیز؛ با او به ستیزه و جدل [و گفت وگوهای بی مورد برای به کُرسـی نشاندن حرف خود] نپرداز؛ از فخرفروشـی و مباهات نسبت به او خودداری کن و با او دشمنی نورزد و از در خیانت با او وارد نشو.

در یک کلام می توان گفت:

ص: ۴۴

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۳، ح ۱۱۷.

۲- همان، ص ۲۹۱، ح ۲.

دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند

نشاید که به یک دم بیازارند

به طور معمول چنین است که دو نفر که با هم آشنا می شونـد و طرح دوستی می ریزنـد، در ابتدا که هنوز به اصـطلاح، با هم خیلی خودمانی نشـده انـد، در صـحبت ها و رفتار با یکدیگر دقت کرده و حدود متعارف و معمول را رعایت می کنند، ولی به تدریـج که برمـدت دوستی و آشـنایی آنها اضافه می گردد، حجاب ها و فاصـله ها کنار می رود و چون به قول معروف، با هم یـک رنـگ شـده انـد، از هیـچ سـخن و رفتاری نزد هم اِبا ندارنـد. همین امر سـبب می شود که رفته رفته به سـبب از بین رفتن حجب و حیـایی که بین آن دو وجـود داشت، راه برای هرگـونه برخـورد بـا یکـدیگر بـاز می شـود و گـاه از حـد تـوهین و بی احترامی نسبت به یکـدیگر نیز فراتر می رود. به تدریـج، با تشدید این وضـعیت، رشـته دوستی گسسـته می شود و دو دوسـت صمیمی با حالت دل خوری و ناراحتی، از یکـدیگر جـدا می شوند. اگر از همان ابتدا به طور کامل مراقب باشـند و در دوستی ها رعایت حدّ و مرز لازم را فراموش نکنند، هیچ گاه کار به اینجا کشیده نمی شود.

پس برای حفظ و تحکیم رابطه دوسـتانه خود با دیگران باید از بی حرمتی و رفتار ناشایست، خیانت و دورنگی، ستیزه جویی و رقابت، دشـمنی و کینه توزی، خودپسـندی و فخرفروشی، دوری جوییم و هیچ گاه در برخوردها، حد اعتدال و میانه روی را از دست ندهیم و سبب از بین رفتن مرزهای حیا نشویم که:

سنگی به چند سال شود لعل پاره ای

زنهار تا به یک نفسش نشکنی به سنگ(۱)

۱- سعدی.

۹. وفای به عهد و پیمان

۹. وفای به عهد و پیمان

«یَرعی ذِمَّتَهُ؛ بر عهد و پیمان هایی که با او دارد، وفادار بماند».

نهمین حق از مجموعه حقوقی که رسول خاتم برای برادران ایمانی برمی شمارد، رعایت عهد و پیمان ها و پای بندی به قول و قرارهاست. در این زمینه نیز احادیث بسیاری از پیشوایان دین نقل شده است که ما در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

لا إِیمانَ لِمَنْ لا أَمانَهَ لَهُ، لا دِینَ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ.(۱)

کسی که امانت داری نمی کند، ایمان ندارد و کسی که به عهد و پیمان های خود وفا نمی کند، دین ندارد.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

ثَلاثٌ لَمْ یَجْعَلِ اللّه عَزَّوَجَلَّ لِأَحَدٍ فیهِنَّ رُخْصَهً: أَداءُ الْأَمانَهِ إِلَی الْبِرِّ وَالْفاجِرِ، وَ الْوَفاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبِرِّ وَالْفاجِرِ، وَ بِرُّ الْوالِدَیْنِ بَرَّیْنِ کانا أَوْ فاجِرَیْنِ.(۲)

خداوند عزّ وجلّ، اجازه ترک کردن سه چیز را به هیچ کس نداده است: یکی، ادا کردن امانت، خواه امانت گذار فردی صالح و خواه فردی ناصالح باشد. دیگری، وفا کردن نسبت به عهد و پیمان ها، خواه این عهد با نیکان و صالحان باشد و خواه با مردمان ناصالح و بدکردار. سوم، نیکی کردن به پدر و مادر، چه آن دو شایسته و باصلاحیت باشند و چه ناشایست و بی صلاحیت.

ص: ۴۶

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۸، ح ۲۶.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲، ح۱۵.

این مسئله چنان اهمیت و ارزش دارد که امام علی علیه السلام در فرمان خویش به مالك اشتر، وی را به رعایت عهد و پیمان های بسته شده با دشمنان نیز ملزم کرده و وفای به عهد را از جمله صفاتی دانسته است که همه اقوام و ملل، با دین و مذهب های متفاوت، به یکسان برای آن ارزش قائل هستند و آن را محترم می شمارند.(۱)

نکته دیگری که در همین جا اشاره به آن لازم است، این که همه ما افزون بر تعهد و مسئولیتی که در وفا به عهد و قرارهای خود داریم، موظفیم در نگه داری امانت ها و سپرده های دیگران نیز کوشا باشیم و از خیانت در امانت دوری کنیم.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، امانت داری را از شروط مسلمانی دانسته است و می فرماید:

مَنْ خانَ أَمانَةً فِی الدُّنْیا وَ لَمْ یَرُدَّها إِلی أَهْلِها ثُمَّ أَدْرَکَهُ الْمَوْتُ ماتَ عَلی غَیرِ مِلَّتِی، وَ یَلقَی اللّه ‑ وَ هُوَ عَلَیْهِ غَضْبانٌ.(۲)

کسی که در امانت خیانت ورزد و آن را به صاحبش رد نکند، سپس از دنیا برود، بر دین من نمرده است و خداوند را در حالی ملاقات می کند که از او خشمناك است.

در روایتی نیز که پیش از این از امام باقر علیه السلام نقل کردیم، دیدیم که آن حضرت، ادای امانت را از جمله مواردی می داند که خداوند اجازه تخلف نسبت به آن را به هیچ کس نداده است.(۳)

بنابراین، شایسته است که بیش از پیش در وفای به عهد و پیمان و ادای

۱- نهج البلاغه ، نامه ۵۳، ص ۳۹۴.
۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۱، ح ۳.
۳- الکافی، ج ۲، ص۱۶۲، ح۱۵.

امـانت که از حقوق مسلّم برادران و خواهران ایمـانی مـاست، کوشا باشـیم. همچنین فراموش نکنیم که انسان عهدشـکن و بی توجه به تعهدات اجتماعی در میان مردم جایی نخواهد داشت که:

پیر پیمانه کش ما که روانش خوش باد

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان(۱)

به علاوه باید به این نکته توجه کنیم که هر یک از ما نسبت به مردم جامعه خویش، عهد و پیمانی بر گردن داریم و عهده دار امانتی هستیم که باید آن را به خوبی، ادا و به تکلیف و تعهدمان در برابر هم میهنان خود عمل کنیم. باید بدانیم که اگر خدای نخواسته در انجام وظایف و مسئولیت های مان کوتاهی کنیم، به خوبی از عهـده انجام تکلیفی که اجتماع به ما سپرده است، برنیامده ایم و باید در پیشگاه خداوند پاسخ گو باشیم.

۱۰. عیادت و دل جویی

۱۰. عیادت و دل جویی

«یَعُودُ مَرَضَتَهُ؛ به هنگام بیماری او، به دیدارش برود».

یکی از نکـات مهم در روابـط و آداب معاشـرت های اجتماعی، عیادت دوسـتان و بسـتگانی است که دچار بیماری شـده انـد. اصولاً در چنین مواقعی است که دوستی و خویشاوندی ارزش واقعی خود را پیدا می کند.

وقتی شـما بر بالین برادر یا خواهر مسـلمان خود حاضـر می شوید و از او دل جویی می کنید و حال وی را می پرسـید، احساس آرامش به او دست

۱- حافظ.

می دهـد و دردش تسـکین می یابـد. به همین دلیـل، در چنین لحظاتی نسـبت به شـما احساس مهر و محبت بیشتری می کنـد و همین سـبب می گردد در آینـده، روابـط دوسـتانه یـا پیونـد خویشاونـدی میـان او و شـما محکم تر شود و از پایـداری بیشـتری برخوردار گردد. به علاوه همین عیادت سـبب می شود که اگر از قبل نسبت به هم کدورت و ناراحتی داشته اید، برطرف شود و خلوص و صفا جای آن را بگیرد.

ازاین رو، در معـارف اخلاقی اسـلام تأکیـد بسـیاری بر عیادت بیماران و دل جویی از آنان شـده و پیامبر گرامی اسـلام، آن را یکی از حقوق اهل ایمان نسبت به یکدیگر برشمرده است. امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

مَنْ عادَ مَرِیضا شَیَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ، یَسْتَغفِرُونَ لَهُ حَتّی یَرْجِعَ إِلی مَنْزِلِهِ.(۱)

کسـی که به قصـد عیـادت بیمـاری از خـانه خود خـارج می شود، هفتـاد هزار فرشـته او را همراهی می کننـد و تا آن زمان که دوباره به خانه برگردد، برای او طلب آمرزش می کنند.

بنا بر دسـتورهایی که در روایات آمـده است، هنگام عیادت از بیماران باید به آداب مربوط به این عمل نیز توجه داشت تا کار خیر ما تکمیل شود و از ثواب بیشتری برخوردار گردد.

دو ادب مهم که رعایت آنها هنگام دیدار از بیماران لازم است، عبارتند از:

۱. از توقف زیاد نزد بیمار خودداری کنیم، مگر اینکه خود او از ما بخواهد که بمانیم.

۲. در صورت امکان، چیزی که بیمار را خوشحال می کند، با خود همراه

۱- وسائل الشیعه، ج۲، ص۶۳۴، ح۲.

ببریم و به قول معروف، دست خالی نباشیم.[(۱)]

این را هم اضافه کنیم که عیادت بیماران و حاضـر شـدن بر بالین انسان دردمنـدی که ناتوانی بر او غالب شده و در بستر درد و رنج افتاده است، می تواند تذکر و هشداری به انسان های برخوردار از نعمت سلامتی باشد و به آنها گوشزد کند که:

دایم گل این بستان، شاداب نمی ماند

دریاب ضعیفان را در وقت توانایی[(۲)]

۱۱. حضور در مراسم خاک سپاری

۱۱. حضور در مراسم خاک سپاری

«یَشْهَدُ مَیِّتَهُ؛ در تشییع جنازه اش حاضر شود».

یکی از ویژگی های انسان این است که اشـتغال به زنـدگی روزانه و سـرگرم شدن به بازی های حیات دنیوی، به مرور او را از یـاد مرگ و سـفر آخرت غافـل می سازد و چنین می نمایـد که برای همیشه در این دنیا خواهـد مانـد. ازاین رو، در پی کسـب توشه برای روز بازپسـین نیز برنمی آیـد و تمـام همّ خود را مصـروف گـذران زنـدگی مـادی و سـر و سامان دادن به وضع این دنیای خویش می سازد. در این میان، یکی از اموری که سبب توجه و هوشیاری انسان خواب زده و فرورفته در دریای غفلت و فراموشی می گردد، دیدن مرگ دیگران و شرکت در تشییع جنازه اطرافیان است.

وقتی کسی پشت سر جنازه ای به راه می افتد و خاطرات خود را با کسی که

۱- همان، صص۶۴۲ و ۶۴۳.

۲- حافظ.

در تـابوت آرمیـده است، در ذهن مرور می کنـد و زمـانی را که بـا هم گرم کار و تلاش و فعالیت بودنـد و برای کسب ثروت بیشتر با یکـدیگر به مسابقه می پرداختند یا زمانی را که به دلیل موفقیت تحصـیلی آن دوست بر او رشک و حسد می ورزید و بسـیاری از خاطرات تلـخ و شـیرین و آرزوهای به هـدف نرسـیده دیگر را به یاد می آورد و می بیند که آن دوست و همراه، یا رقیب دیروز، اکنون فـارغ از همه جـا و همه کس، خـاموش و آرام و بی هیـچ نشانی از تلاش های روزهای پیشـین و با دسـتان خالی، به سوی آرامگاه خویش در حرکت است، به یک باره تحولی در او ایجاد می شود. اگر چشم بصیرتی داشته باشد، خود را به جای آن آرمیـده در تابوت می بینـد و مرگ خویش را باور می کنـد و درمی یابـد که نمی تواند خود را فریب دهد و او هم بالاخره باید روزی آماده رفتن شود. به قول زنده یاد پروین اعتصامی:

هر که باشی و به هر جا برسی

آخرین منزل هستی، این است

ازاین روست که می بینیم پیشوایـان، بر شـرکت در تشـییع جنـازه و زیـارت اهل قبور تأکیـد زیادی کرده انـد تا جایی که وقتی کسـی از امام محمـد باقر علیه السـلام سؤال می کند: «مرا هم به شـرکت در تشـییع جنازه و هم به میهمانی و مجلس سور کرده اند، کدام یک را انتخاب کنم و دعوت کدام یک را بپذیرم؟» امام در جواب می فرماید:

يُجِيبُ الْجَنازَهَ، فَإِنَّ حُضُورَ الْجَنازَهِ يُذَكِّرُ الْمَوْتَ وَ الْاخِرَهَ وَ حُضُورَ

ص :۵۱

الْوَلائِمِ یُلْهِی عَنْ ذلِکَ.(۱)

در مراسم تشییع جنازه شرکت کن؛ چرا که شرکت در تشییع جنازه، مرگ را [به انسان] یادآوری می کند، ولی شرکت در مهمانی سبب غفلت از آن می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خطاب به ابوذر می فرماید:

یا أَباذَرِ! إِذا تَبِعْتَ جَنازَهً فَلْیَکُنْ عَقْلُکَ فِیها مَشْغُولاً بِالتَّفَکُّرِ وَ الْخُشُوعِ وَ اعْلَمْ أَنَّکَ لاحِقٌ بِهِ.(۲)

ای اباذر! هر گاه پشت سر جنازه ای حرکت می کنی، در آن حال، سرگرم تفکر و مطالعه در حال خویشتن باش و بدان که تو هم روزی به او می پیوندی.

مولانا نیز در اینجا بیانی زیبا دارد و می فرماید:

در همه عالم، اگر مرد و زنند

دم به دم در نزع و اندر مُردنند

آن سخنشان را وصیت ها شمر

که پدر گوید در آن دم با پسر

تا بروید عبرت و رحمت بدین

تا ببرّد بیخ بغض و رشک و کین

تو بدان نیّت نگر در اقربا

تا ز نزع او بسوزد دل تو را

ائمه دین علاوه بر سفارش و تأکیدی که بر موضوع شرکت در مراسم به خاک سپاری دوستان و نزدیکان به منظور عبرت گیری و دور شدن از غفلت و بی خبری کرده اند، اجر و ثواب بسیاری نیز برای مشایعت کنندگان رهروان سرای باقی برشمرده اند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اجر عظیم شرکت در تشییع جنازه را چنین بیان می کند:

مَن شَیَّعَ جَنازَهً فَلَهُ بِکُلِّ خُطْوَهٍ، حَتّی یَرْجِعَ، مِأَهُ أَلْفِ أِلْفِ حَسَنَهٍ وَ یُمْحی عَنهُ مِأَهُ أَلْفِ أَلْفِ سَیِّئَهٍ وَ یُرْفَعُ لَهُ مِأَهُ أَلْفِ أَلفِ دَرَجَهً فَإِنْ صَلّی عَلَیْها شَیَّعَهُ فِی جَنازَتِهِ مِأَهُ أَلْفِ أَلفِ مَلَکٍ کُلُّهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ، حَتّی یَرْجِعَ، فَإِنْ شَهِدَ دَفْنَها وَکَّلَ اللّه بِهِ أَلفَ مَلَکٍ

كُلُّهُمْ يَسْتَغْفِرُوْنَ لَهُ، حَتّى يُبْعَثَ مِنْ قَبْرِهِ وَ مَنْ صَلّى عَلى مَيِّتٍ صَلّى عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ و سَبْعُونَ أَلفَ مَلَكٍ وَ غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ... .(۳)

هر کس جنازه ای را همراهی کند، در ازای هر قدمی که در این راه برمی دارد تا هنگامی که به خانه خود برمی گردد، صد میلیون حسنه برای او نوشته می شود و صد میلیون گناه او پاک می شود و خداوند، مقام او را صد هزار درجه بالا می برد و اگر بر آن جنازه نماز بگزارد، صد میلیون فرشته، جنازه او را [پس از مرگش] همراهی و همه تا زمانی که او به خانه اش برمی گردد، برایش طلب آمرزش می کنند و اگر بایستد تا متوفّی دفن شود، خداوند، هزار فرشته را مأمور می سازد تا زمانی که او از قبرش برانگیخته می شود، برایش طلب مغفرت کنند و هر کس بر مرده ای نماز بخواند، در عوض، جبرئیل و هفتاد هزار فرشته بر او نماز خواهند خواند

ص: ۵۳

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۸۴، ح ۴۰.

۲- همان، ج ۷۷، ص ۸۴، ح ۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۲۱، ح ۶.

و گناهان گذشته او آمرزیده می شود.

امام صادق علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید:

یَنْبَغِی لِأَوْلِیاءِ الْمَیِّتِ مِنْکُم أَنْ یُؤْذِنُوا إِخْوانَ الْمَیِّتِ بِمَوْتِهِ، فَیَشْهَدُونَ جَنازَتَهُ وَ یُصَلُّونَ عَلَیْهِ، وَ یَستَغْفِرُونَ لَهُ، فَیُکْسَبُ [وَ یَکْتَبُ] لَهُمُ الْأَجْرُ، وَ یُکْسَبُ [یَکْتَبُ] لِمَیِّتِهِ الْاِءِسْتِغْفارُ.(۱)

شایسته است که صاحبان عزا و نزدیکان درگذشته، دوستان و آشنایان او را از مرگ وی باخبر سازند تا در تشییع جنازه اش شرکت کنند و بر او نماز گزارند و برایش طلب مغفرت و بخشش کنند تا بدین وسیله هم اجر و ثوابی نصیب دوستان و آشنایان درگذشته گردد و هم خود او مشمول رضوان الهی واقع شود.

البته فراموش نکنیم که در درجه اول به عنوان ایفای حقی که دوستان و برادران دینی بر عهده ما دارند، می بایست در مراسم خاک سپاری و مجالس یادبود آنها شرکت کنیم و بر ماست که نگذاریم آنها با حال تنهایی و غربت از دنیا بروند. رسول گرامی اسلام نیز به این موضوع اشاره کرده و آن را از جمله وظایف هر مسلمان نسبت به مسلمانان دیگر برشمرده است.

۱۲. پذیرش دعوت

۱۲. پذیرش دعوت

«یُجِیبُ دَعوَتَهُ؛ دعوت او را اجابت کند».

نکته دیگری که در معاشرت با دیگران و به طور کلی در زندگی اجتماعی باید بدان توجه شود، این است که همواره سعی کنیم به هر شکل ممکن، دوست و برادر خود را راضی نگه داریم و موجبات دل خوری او را فراهم نکنیم.

ممکن است روزی یکی از دوستانتان، شما را به منزلش دعوت کند، ولی

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص۲۴۸، ح۵؛ الکافی، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۱.

شما به دلیل گرفتاری، دوری مسافت، بی حوصلگی یا هر دلیل دیگر، چندان مایل به اجابت دعوت او نباشید، در حالی که می دانید او از صمیم قلب می خواهد که دقایقی را با شما به سر برد و اگر شما دعوتش را نپذیرید، دل گیر خواهد شد و به دوستی تان لطمه وارد می شود. در چنین صورتی ما باید سعی کنیم تا آنجا که می توانیم خشنودی و رضایت دوست خویش را بر دیگر امور زندگی مقدّم بداریم و دعوتش را بپذیریم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله دراین باره می فرماید:

أُوصِی الشّاهِدَ مِنْ أُمَّتِی وَ الْغائِبَ أَنْ یُجِیبَ دَعْوَهَ الْمُسْلِمِ، وَ لَوْ عَلی خَمْسَهِ أَمْیالٍ، فَإِنَّ ذلِکَ مِنَ الدِّینِ.(۱)

و همه امتم را اعمّ از آنهایی که حاضرند و آنهایی که غایبند، سفارش می کنم که دعوت برادر مسلمان خود را بپذیرند، اگرچه مجبور باشند پنج میل (۲۰ کیلومتر) راه بپیمایند؛ زیرا این عمل نشانه دین داری فرد است.

آن حضرت در جای دیگری در بیان نشانه های جفا می فرماید:

ثلاثه مِنَ الْجَفاءِ... و أَنْ یُدْعَی الرَّجُلُ إِلی طَعامٍ فَلا یُجِیبُ أَوْ یُجِیبُ فَلایَأْکُلُ.(۲)

سه چیز از نشانه های جفا [و پشت کردن به دوستان]... و اینکه شخص را برای مهمانی و صرف غذا دعوت کنند، ولی او اجابت نکند یا در مهمانی حاضر شود، ولی غذا نخورد.

البته باید توجه داشت همه نکاتی که ما در اینجا تذکر می دهیم، به روابط و معاشرت های برادران مسلمان و دوستان و خویشان مربوط است، وگرنه شرکت در هر مجلسی و پذیرفتن هر دعوتی به طور حتم جایز نیست. حضور

۱- بحارالانوار، ج۷۵، ص۴۴۷، ح ۷.

۲- همان، ح۳.

در مجالس و محافلی که در آنها گناه و معصیت وجود دارد یا قبول دعوت کسی که وجهه خوبی در اجتماع ندارد و سبب بدگمانی مردم می گردد، به هیچ وجه شایسته نیست. برای مسئولان و مدیران جامعه اسلامی نیز شرکت در میهمانی های پرتجمل و نشست و برخاست با طبقات مرفّه و خوش گذران اجتماع که از درد مردم خبر ندارند، زیبنده نیست. مولای متّقیان علی علیه السلام، یکی از کارگزاران خود، به نام عثمان بن حُنَیف را به سبب شرکت در یک میهمانی پرتجمل و اشرافی مورد سرزنش و نکوهش قرار داد و فرمود:

یَابْنَ حُنَیْفٍ، فَقَدْ بَلَغَنِی أَنَّ رَجُلاً مِنْ فِتْیَهِ أَهلِ الْبَصرَهِ دَعاکَ إِلی مَأْدُبَهٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَیها، تُسْتَطابُ لَکَ الْأَلوانُ، و تُنْقَلُ إِلَیْکَ الْجِفانُ؛ وَ ما ظَنَنْتُ أَنَّکَ تُجِیبُ إِلی طَعامِ قَوْمٍ عائِلُهُمْ مَجْفُوٌّ، وَغَنِیُّهُمْ مَدْعُوٌّ، فَانْظُرْ إِلی ماتَقضَمُهُ مِنْ هذا الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَیْکَ عِلْمُهُ فَالْفِظْهُ، وَ ما أَیقَنْتَ بِطِیبِ وَجْهِهِ فَنَلْ مِنْهُ.(۱)

ای پسر حنیف! به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره، تو را به مهمانی خوانده و تو نیز بدانجا شتافته ای. [در آنجا] سفره ای رنگین برایت افکنده و ظرف هایی پرطعام پیشت نهاده اند. هرگز نمی پنداشتم که تو دعوت قومی را اجابت کنی که بینوایان را از در می رانند و توانگران را بر سفره می نشانند! بنگر که چه می خوری، هر چه را در حلال بودن آن تردید داری، از دهان بیفکن و آنچه را یقین داری از راه حلال به دست آمده است، بخور.

بنابراین، دانستیم که اجابت دعوت آشنایان و شرکت در مجالس و محافلی که دوستان و برادرانمان، ما را به آنها فرا می خوانند، در صورتی که

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۳۷۱.

می دانیم در آن مجالس و محافل از گناه و معصیت خداوند خبری نیست، لازم بوده و بجاست که بی درنگ در مجالس و میهمانی های آنها شرکت کنیم، این امر سبب نزدیکی هر چه بیشتر قلب ها و استوارتر شدن دوستی ها می گردد.

۱۳. قبول هدایا

۱۳. قبول هدایا

«یَقبَلُ هَدِیَّتَهُ، هدیه اش را بپذیرد».

سیزدهمین وظیفه ای که ما نسبت به دیگر مسلمانان داریم، این است که هدایای آنها را هر چند کوچک و ناچیز باشد، بپذیریم. سیره و اخلاق پیامبر گرامی ما چنین بود و در این باره می فرمود:

مِنْ تَکْرِمَهِ الرَّجُلِ لِأَخِیهِ الْمُسْلِمِ أَنْ یَقْبَلَ تُحْفَتَهُ وَ یُتْحِفَهُ بِما عِنْدَهُ وَ لایَتَکَلَّفُ لَهُ شَیْئا.(۱)

یکی از راه های گرامی داشت برادر مسلمان، قبول هدیه او و هدیه دادن به او در حد توان است، بی آنکه به دلیل این هدیه دادن به سختی بیفتد.

روایت شده است که روزی زن فقیر و بیچاره ای برای یکی از همسران پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هدیه ای آورد، ولی وی به خاطر ترحم و دل سوزی، هدیه اش را نپذیرفت. او این ماجرا را برای پیامبر نقل کرد. آن حضرت با شنیدن این ماجرا بسیار ناراحت شد و فرمود:

أَلّا قَبِلتِیها مِنْها وَ کافَیتِیها مِنْها فَلا تَری أَنَّکَ حَقَّرتِیها، یا عائِشَهُ تَواضَعِی فَإِنَّ اللّه ـ یُحِبُّ الْمُتَواضِعِینَ و یُبْغِضُ الْمُسْتَکْبِرِینَ.(۲)

چرا آن هدیه را نپذیرفتی؟ آیا تو نمی دانی که با این کارت، او را تحقیر

۱- الکافی، ج۵، ص۱۴۳، ح۸.

۲- کنزالعمّال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج۵، ص۸۲۱، ح ۱۴۴۸۲.

کرده ای؟! [بهوش باش و] همواره تواضع پیشه کن که خداوند متواضعان را دوست دارد و متکبران و فخرفروشان را دشمن می دارد.

همچنین باید توجه داشت که هدیه دادن یکی از اموری است که سبب جلب دوستی ها و محبت ها می شود و کینه ها و کدورت ها را از بین می برد. این جمله از پیامبر مشهور است که:

تَهادُّوا تَحابُّوا. تَهادُّوا فَإِنَّها تَذْهَبُ بِالضَّغائِنَ.(۱)

هدیه بدهید تا دوستی ها را به خود جلب کنید. هدیه بدهید؛ چرا که این عمل، کینه ها را برطرف می سازد.

در اینجا با تأکید بر اهمیت هدیه دادن برای پایداری دوستی ها، تذکر نکاتی را لازم می دانیم:

۱. آنچه امروزه در بین ما مرسوم شده است که به عنوان چشم روشنی، به هنگام عروسی، تولد فرزند یا خانه خریدن دوستان و آشنایان به آنها هدیه می دهیم، با اینکه در جای خود، عملی نیک و پسندیده است، ولی مقداری از روال معمولی و صحیح خود خارج شده و گاهی به صورت موضوعی تحمیلی درآمده است که از ارزش این عمل می کاهد؛ زیرا هیچ لزومی ندارد هدیه ما گران قیمت باشد. آنچه ارزش دارد، این است که هدیه، نشانه ای از محبت و دوستی ما با خود به همراه داشته و به دور از هرگونه پیرایه و ظاهرسازی بیانگر علاقه قلبی ما به طرف مقابل باشد.

اگر به روایات وارد شده در این زمینه توجه کنید، درمی یابید که در هیچ کدام از آنها، به بالا بودن میزان ارزش هدیه و قابل توجه بودن کمیّت آن سفارش نشده و تنها اثر هدیه و الفت و انسی که از طریق آن ایجاد می شود،

۱- الکافی، ج۵، ص۱۴۴، ح ۱۴.

مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا به قول معروف، هرچه از دوست رسد، نیکوست، حتی اگر هیچ ارزش مادی نداشته باشد.

کلامی از رسول گرامی اسلام، درستی ادعای ما را تأیید می کند، آنجا که می فرماید:

ما أَهْدَی الْمَرءُ الْمُسْلِمُ عَلی أَخِیهِ هَدِیَّهً أَفضَلَ مِن کَلِمَهِ حِکْمَهٍ یَزِیدُهُ اللّه ُبِها هُدیً وَ یَرُدُّهُ عَنْ رَدی.(۱)

هیچ مسلمانی به برادر خود، هدیه ای باارزش تر از کلام پندآموز و حکمت آمیز تقدیم نکرده است. کلامی که خداوند به وسیله آن بر هدایت برادر او می افزاید و از گمراهی دورش می سازد.

۲. هنگام هدیه دادن، نباید توقع جبران آن را داشته باشیم. البته درست است که فرد هدیه گیرنده وظیفه دارد تا آنجا که می تواند، به منظور پایداری هرچه بیشتر دوستی ها، احسان و نیکی برادر یا خواهر ایمانی اش را جبران کند، ولی نباید به هدیه دادن به چشم یک معامله نگاه کنیم و همواره در انتظار گرفتن هدیه متقابل باشیم، بلکه به فرموده امام علی علیه السلامکه می فرماید:

عُدْ مَنْ لا یَعُودُکَ وَ أَهْدِ إِلی مَنْ لایُهدِی إِلَیْکَ.(۲)

به دیدار کسی که به دیدارت نمی آید، برو و به کسی که به تو هدیه نمی دهد، هدیه بده.

تنها باید به فلسفه والای هدیه توجه کنیم و جز در پی جلب محبت ها نباشیم.

۳. اگر خدای نخواسته کسی بخواهد با هدیه و چشم روشنی، دل شما را به دست آورد تا باطلی را حق و حقی را باطل جلوه دهید یا بر مظلومی تعدی و

۱- بحارالانوار، ج۲، ص۲۵، ح۸۸.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۱۴، ح ۱۶.

تجاوز روا دارید یا از عمل به وظیفه شرعی و قانونی خود دست بردارید؛ در چنین مواردی باید قاطعانه در مقابل عمل باطل او بایستید و خدا را در نظر آورید و خود را به این عنوان که قبول هدیه لازم است و اشکالی ندارد، فریب ندهید؛ زیرا این وسوسه شیطان است و آن هدیه چیزی جز رشوه نخواهد بود.

۱۴. احسان در برابر احسان

۱۴. احسان در برابر احسان

«یُکافِی ءُ صِلَتَهُ؛ نیکی برادر مؤمنش را بی پاسخ نگذارد و مقابله به مثل کند».

یکی از اموری که سبب دوام و پایداری دوستی ها و تحکیم و استواری خویشاوندی ها می گردد، این است که با احسان متقابل، خوبی های دیگران را جبران کنیم و آنها را بی پاسخ نگذاریم.

به عنوان مثال، اگر برای شما هدیه ای آوردند یا در حق شما لطفی کردند، وظیفه شماست که با پاسخی مناسب و هدیه ای متقابل، از دوست یا آشنایی که آن هدیه را برای شما آورده یا آن لطف را در حق شما انجام داده است، تشکر و بدین وسیله ابراز محبت کنید. اگر چنین نباشد، نمی توان به بقا و دوام دوستی ها و استواری خویشاوندی ها امیدی داشت. به فرموده امام هادی علیه السلام:

لا تَطْلُبِ الصَّفاءَ مِمَّنْ كَدَرْتَ عَلَيْهِ، وَ لَا النُّصْحَ مِمَّنْ صَرَفْتَ سُوءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ فَإِنَّما قَلْبُ غَيْرِكَ لَكَ كَقَلْبِكَ لَهُ.(۱)

نباید از کسی که با او به تندی و خشونت رفتار کرده ای، توقع صفا و یک رنگی داشته باشی. همچنین نباید انتظار داشته باشی کسی که تو با او با بدبینی برخورد کرده ای، با تو با خوش بینی و صمیمیت برخورد کند؛ زیرا آنچه تو نسبت به دیگران در دل داری، دیگران نیز همان را نسبت به

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۲، ح ۸.

تو در دل خواهند داشت.

اگر ما احسان دیگران را بی پاسخ بگذاریم یا خدای نکرده، نیکی دیگران را با بدی جواب گوییم، باید بدانیم که پس از مدتی، هیچ کس رغبت نخواهد کرد که در حق ما کار خیری انجام دهد.

البته باید این نکته را هم به خاطر داشت که نباید همیشه از دیگران جبران خوبی ها و پاسخ نیکی هایی را که در حق آنها انجام داده ایم، انتظار داشته باشیم، بلکه یکی از نشانه های بزرگواری و کمال شخص، احسان و محبت به کسی است که نسبت به او بدرفتاری کرده است. این از خصوصیات پیامبران الهی است و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

إِحْمِلْ نَفْسَکَ مِنْ أَخِیکَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَی الصِّلَهِ، وَ عِنْدَ صُدُودِهِ عَلَی اللُّطْفِ وَ الْمُقارَبَهِ، وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَی البَذْلِ، وَ عِنْدَ تَباعُدِهِ عَلَی الدُّنُوِّ، وَ عِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَی اللِّینِ وَ عِنْدَ جُرْمِهِ عَلَی الْعُذْرِ، حَتّی کَأَنَّکَ لَهُ عَبْدٌ وَ کَأَنَّهُ ذُو نِعْمَهٍ عَلَیْکَ.(۱)

اگر دوستت، از تو پیوند گسست، پیوستن او را بر خود هموار ساز و چون از تو رخ برتافت، تو به لطفِ قرابت روی آور و چون بخل ورزید، تو دست بخشش بگشای و چون دوری گزید، تو نزدیک شو و چون درشتی کرد، تو نرمی پیش آر و چون مرتکب خطایی شد، عذرش را بپذیر، آن سان که گویی تو بنده او هستی و او ولیّ نعمت تو.

بنابراین، در ارتباط با دوستان و آشنایان و به طور کلی برادران و خواهران دینی نباید همیشه منتظر احسانی بود تا در پی جبران آن باشیم، بلکه به خاطر بقای پیوند مودّت و محبتی که میان اهل ایمان باید وجود داشته باشد، لازم است در مواردی در برابر نامهربانی ها، دوری جستن ها، کناره جویی ها، بدزبانی ها و... کریمانه خویشتن داری کرد و دست از مهربانی، وفا و صمیمیت، خوش زبانی و...

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱ (وصیت امام علی علیه السلام، به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام)، ص۳۵۹.

برنـداشت. البته این در جایی است که طرف مقابل، لیاقت این رفتار ما را داشـته باشد. چنان که امیرمؤمنان علی علیه السـلامدر ادامه کلامش تذکر می دهد:

وَ إِیّاکَ أَنْ تَضَعَ ذلِکَ فِی غَیْرِ مَوضِعِهِ، أَوْ أَنْ تَفْعَلَهُ بِغَیْرِ أَهْلِهِ.(۱)

ولی مبادا که اینها را در غیر مورد خود کنی یا با نااهلان نیکی کنی.

پس باید لیاقت و ارزش هر کس را شناخت و با او چنان که شایسته اوست، رفتار کرد. چنان که سعدی می فرماید:

با بدان بد باش و با نیکان نکو

جای گل، گل باش و جای خار، خار

۱۵. قدرشناسی و سپاس گزاری

۱۵. قدرشناسی و سپاس گزاری

«یَشْکُرُ نِعْمَتَهُ؛ قدرشناس نعمت او باشد».

داشـتن روحیه قدرشناسی و سپاس گزاری نسبت به دیگران یکی از کمالات انسانی و از خصال اهل ایمان است. بدین بیان که اگر کسی برای ما کاری انجام داد و زحمتی را هرچند ناچیز به خاطر ما متحمل شد، سپاس و امتنان خود را ابراز کنیم تا طرف مقابل متوجه شود ما قدر زحمت های او را دانسته ایم و فرد ناسپاسی نیستیم.

داشـتن روحیه طلبکـارانه نسـبت به دیگران، برخورد متوقعانه با اطرافیان و نادیـده گرفتن تلاش ها و زحمت های آنها نشانه بی شخصیتی، خودپسندی و سستی پایه های ایمان فرد است. این نکته در روایات مورد توجه قرار گرفته

۱- همان .

است و امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

مَنْ لَمْ یَشْکُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ لَمْ یَشْکُرِ اللّه - عَزَّوَجَلَّ.(۱)

هر کس لطف و احسان بندگان خدا را سپاس نگوید، خدا را هم به حقیقت شکر نخواهد گزارد.

انسان بایـد در زندگی نسبت به هر کس که به نحوی در رفع نیازمندی ها و احتیاجات او مؤثر است و موانع و مشکلات را از پیش پای او برمی دارد و در یک کلام، نسبت به همه کسانی که بقا و حیات او بی وجود آنها امکان پذیر نیست، سپاس گزار و قدرشناس باشد و این قدردانی را نیز به نحوی ابراز کند.

البته نبایـد تنهـا به امتنـان و رضایت قلبی نسبت به زحمات دیگران اکتفا کرد و پیش خود قـدردان تلاش دیگران باشیم، بلکه آنچه مهم است، اظهار تشکر زبانی و بیان مراتب قدرشناسی خود نسبت به اعمال دیگران است تا بدین وسیله بتوان در روح و قلب فردی که کـاری در حق مـا انجـام داده است، نفـوذ و محبتش را نسـبت به خـود جلب کرد. در روایـات به این امر بسـیار سفارش و تأکید شده است.

بنـابراین، خواه در برابر زحمات طاقت فرسای پـدر و مادر خویش یا فـداکاری ها و ایثار همسـرمان و خواه در برابر تلاش های صادقانه یک دوست یا زحمات بی شایبه یک آشـنا قرار داشـته باشـیم، وظیفه داریم نه تنها شاکر و سپاس گزار درگاه خداوند باشـیم که منعم حقیقی است، بلکه باید از هر کس از بندگان خدا که به نحوی بر گردن ما حقی دارد، تشـکر و سپاس گزاری کنیم.

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص۴۴، ح۴۷.

۱۶. مددکاری و یاری رسانی

۱۶. مددکاری و یاری رسانی

«یُحْسِنُ نُصْرَتَهُ؛ او را به نیکویی یاری کند».

دوستی و برادری حکم می کند که انسان از هرگونه کمکی نسبت به دوستان و برادران خود دریغ نورزد و همواره دست خود را برای یاری و مساعدت یاران و نزدیکانش دراز کند.

امام صادق علیه السلام در بیان یکی از حقوقی که مؤمنان نسبت به هم دارند، می فرماید:

أَنْ تُعِینَهُ بِنَفْسِکَ وَ مالِکَ وَ لِسانِکَ وَ یَدِکَ وَ رِجْلِکَ.(۱)

بر عهده توست که برادرت را با جان، مال، دست، زبان و قدم [خیر] خود یاری کنی.

بنابراین، یکی از حقوق مسلّم افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر، کمک و یاری رسانی به بهترین راه ممکن است. هر کس باید سعی کند باری از دوش دیگر برادران و خواهرانش بردارد و به نحوی آنها را مساعدت کند تا روحیه هم بستگی و تعاون در جامعه تقویت شود و فضای انس و الفت بر جامعه حاکم گردد.

۱۷. مراقبت و سرپرستی

۱۷. مراقبت و سرپرستی

«یَحفَظُ حَلِیلَتَهُ؛ همسر [و خانواده] او را سرپرستی کند».

هفدهمین حق از حقوقی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر عهده هر یک از افراد جامعه اسلامی گذارده و آنها را موظف به ادای آن کرده، این است که هر فرد مسلمان وظیفه دارد از حریم خانوادگی و ناموس برادر مسلمان خود حراست

۱- وسائل الشیعه، ج۸، ص۵۴۴، ح ۷.

و حمایت کند و در غیاب او، مسئولیت حفظ و نگه داری و رفع نیازمندی ها و احتیاجات خانواده اش را برعهده گیرد.

این مسئولیت و تعهد افزون بر اهمیتی که از نظر یاری و هم دلی برادران مسلمان نسبت به هم دارد، بیانگر ارزش وجود اعتماد و اطمینان میان برادران مسلمان و پاک دامنی و نجابت میان آنان نیز هست تا آنجا که هر یک از آنها می توانند برای ناموس دیگری، محافظی امین باشند و وظیفه سرپرستی خانواده یکدیگر را برعهده گیرند.

این احساس اعتماد و اطمینان متقابل از مسئله «سرپرستی» بسیار ارزشمندتر است؛ یعنی ارزش اخلاقی پاک دامنی، امانت داری و عفت نظر که موجب حصول این حالت اعتماد و آرامش خاص نسبت به برادران مسلمان می شود، چنان والا و گران قدر است که ارزش حمایت و سرپرستی را تحت الشعاع قرار می دهد؛ زیرا تا شما نتوانید به کسی اطمینان خاطر یابید و نسبت به امانت داری او یقین حاصل کنید، نمی توانید مسئولیت خانه و خانواده تان را در غیاب خود به او بسپارید.

برای اطلاع از چگونگی حصول این حالت اعتماد و اطمینان در میان اهل ایمان، نسبت به یکدیگر، باید چند خصیصه ارزشمند اخلاقی را بشناسیم:

عفت و پاک دامنی

عفت و پاک دامنی از سجایای اخلاقی و نشانه طبع بلند و همت والای شخص است. کسی که تن به لذت حرام نمی دهد و خود را از آلودگی به ناپاکی ها حفظ می کند، در واقع، شخصیت انسانی خود را بالاتر و والاتر از این می داند که تن به ذلت گناه دهد و در پرتگاه فساد و تباهی سقوط کند.

ارزش انسانیت و کرامت آدمی در چنان حدی از عظمت و اوج قرار دارد که راضی شدن به معصیت خداوند و تن دادن به امور پست و بی مقدار دنیایی،

بـه بهـای خشم و غضب خداونـد و عـذاب آخرت و به قیمت محروم مانـدن از نعمت هـای الهی و بهشت جاویـدان، چیزی جز نشانه بی خردی فرد، کمبود شخصـیت و دنائت طبع او نیست. قرآن کریم چنین مردم بی خردی را که بی هیـچ درنگ و تأمل، دوزخ را برای خویش برمی گزینند، از حیوانات نیز پست تر و گمراه تر می داند:

وَ لَقَدْ ذَرَأْنـا لِجَهَنَّمَ کَثِیرا مِنَ الْجِنِّ وَ الاْءِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بِهـا وَ لَهُمْ أَعْیُنٌ لایُبْصِرُونَ بِهـا وَ لَهُمْ اذانٌ لایَسْمَعُونَ بِهـا وَ أُولئِکَ کَالأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ همُ الْغافِلُونَ.(۱)

در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریـده ایم. [چرا که]دل هایی دارنـد که با آن [حقایق] را دریافت نمی کننـد و چشـمانی دارنـد که با آنها نمی بیننـد و گوش هایی دارند که با آنها نمی شـنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه ترند. [آری،]آنها همان غافل ماندگانند.

همـان انـدازه که نجـابت و پـاک دامنی ارزشـمند و پسـندیده است، در مقابـل آن، بی عفتی، ناپاکی نگاه و آلودگی به لـذات حرام، نکوهیده و مورد سرزنش است.

رسول گرامی اسلام در مورد نظر به نامحرم و نگاه حرام می فرماید:

لِکُلِّ عُضْوٍ مِنْ ابنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزِّنا، فَالْعَیْنُ زِناها النَّظَرُ... .(۲)

برای هر عضوی از اعضای انسان، بهره ای از [گناه] زنا وجود دارد. پس زنای چشم، نگاه حرام است.

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید:

وَمَنْ مَلأَ عَیْنَیْهِ مِنْ حَرامٍ مَلأَ اللّه عَیْنَیْهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ مِنَ النّارِ إلاّ أَنْ یَتُوبَ وَ

۱- سوره اعراف ۷، آیه ۱۷۹.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۴، ص ۳۸، ح ۳۵.

يَرْجِعَ.(۱)

هر کس در این دنیا، چشم خود را از حرام پر کنـد، خداونـد در روز قیامت، چشـمان او را از آتش پر می کند، مگر اینکه توبه کند و از کار خود برگردد.

البته در مورد کسـی که به خاطر خدا، از نگاه حرام صـرف نظر کند، پاداش و ثوابی قرار داده است که در روایات ما به آن نیز اشاره شده است. از جمله این روایت رسول خاتم صلی الله علیه و آله که می فرماید:

النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهامِ إِبْلِيسَ، فَمَنْ تَرَكَها خَوْفا مِنَ اللّه ِ أَعْطاهُ اللّه ُ إِيمانا يَجِدُ حَلاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ.(۲)

نگاه [حرام]، تیری مسـموم از تیرهای شیطان است. پس هر کس آن را از ترس خدا ترک کند، خداوند به او ایمانی ارزانی می دارد که شیرینی آن را در قلبش احساس می کند.

همچنین این روایت پیشوای صادق ما، امام ششم که می فرماید:

مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّماءِ، أَوْ غَضَّ بَصَرَهُ لَمْ يَرتَدَّ إِلَيْهِ بَصَرَهُ حَتّى يُزَوِّجَهُ اللّه ُعَزَّوَجَلَّ مِن الْحُورِ الْعِينِ.(۳)

هر کس نگاهش به زن نامحرمی بیفتـد [، ولی برای خودداری از ارتکاب حرام]، نگاهش را به آسـمان بـدوزد یا چشـمانش را ببندد، [در مقابل،] خداوند نیز قبل از آنکه او دیدگانش را بگشاید، یکی از زنان سیه چشم بهشتی را برایش تزویج می کند.

برای نجات و رهایی از نگاه به نامحرم، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. در نظر داشتن پاداشی که برای ترک این گناه منظور شده است. با دل

۱- همان، ص ۳۲، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۴۲، ح۱.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۴، ص۳۸، ح ۳۴.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۳۹، ح ۹.

بریـدن از لـذات گـذرا و آنی دنیا به خاطر رسـیدن به لذات دایم و بی مانند جهان آخرت و سـرای جاویدان الهی، می توان بر چشم خود مسلط شد و آن را از آلودگی به حرام پاک نگه داشت.

۲. توجه به حضور و علم و اطلاع خداونـد نسبت به اعمالی که ما انجام می دهیم. وقتی از امیرالمؤمنین علی علیه السـلام سؤال می کنند که چگونه می توان بر حفظ چشم از نگاه حرام قدرت پیدا کرد؟ آن حضرت پاسخ می دهد:

بِالخُمُودِ تَحْتَ سُلْطانِ المُطَّلِعِ عَلی سِترِکَ.(۱)

با احساس حضور در پیشگاه حاکم مقتدری که بر امور مخفی تو آگاه است.

از همین روست که بعضـی از علمـای اخلاـق، تکرار آیه ذیل را که بیان کننـده علم و اطلاع خداونـد بر امور مخفی و آشـکار دنیاست، برای قدرت پیدا کردن بر محافظت چشم از نگاه حرام سفارش کرده اند:

یَعْلَمُ خائِنَهَ الأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ.(۲)

[خدا] نگاه های دزدانه و آنچه را دل ها نهان می دارند، می داند.

۳. توجه به آگاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از اعمال پیروان خود و اینکه اعمال همه ما بر آنها عرضه می شود.

در آیـات و روایات متعـددی بر این نکته تصـریح شـده است که پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله وسـلم و امامان معصوم علیهم السلام از رفتار و کردار مردمان آگاه بوده و از هر آنچه بر آنها می گذرد، باخبرند.

در یکی از آیات قرآن در این زمینه چنین آمده است:

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۱، ح۵۲.

۲- سوره مؤمن ۴۰، آیه ۱۹.

وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّهُ عَمَلَكَمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ فَيُنَبِّئُكَمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.(۱)

و بگو: [هر کاری می خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریست و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می شوید، پس شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد.

امین الاسلام طبرسی در ذیل آیه یاد شده می فرماید:

این دستوری از سوی خدای سبحان به پیامبرش است که به مکلفان بگوید: به هر آنچه خداوند شما را امر کرده عمل کنید...؛ چرا که خداوند به زودی عمل شما را می بیند... برخی گفته اند مراد از دیدن در اینجا دانستن و آگاه بودن است...؛ یعنی خدای تعالی از کارهای شما آگاه است و در برابر آنها به شما پاداش می دهد و پیامبر او نیز اعمال شما را می بیند و از آن آگاه است و ازاین رو نزد خداوند متعال به نفع شما گواهی می دهد. همچنین مؤمنان نیز اعمال شما را می بینند.

گروهی گفته اند: در اینجا منظور از مؤمنان، شهدا هستند و برخی گفته اند منظور از آنها فرشتگان و حافظانی هستند که اعمال مردم را می نویسند،(۲) اما اصحاب ما [امامیه] روایت کرده اند که اعمال این امت در هر روز دوشنبه و پنجشنبه بر پیامبر عرضه می شود و ایشان از آنها آگاه می شود. همچنین این اعمال بر امامان هدایت: نیز عرضه می شود و آنها نیز از اعمال مردم مطلع می شوند و مراد از «مؤمنان» در این آیه نیز همان ها هستند.(۳)

موضوع یاد شده در جوامع روایی شیعه نیز مورد توجه قرار گرفته است، تا آنجا که بسیاری از محدثان، بابی از کتاب خود را به نقل روایاتی که در این

۱- سوره توبه ۹، آیه ۱۰۵.

۲- سوره توبه ۹، آیه ۱۰۵.

۳- ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق، ج ۵، ص ۶۹.

زمینه وارد شده، اختصاص داده اند.(۱)

براساس روایاتی که در این باب نقل شده است، اعمال مردم هر صبح و شام به حضور حجت و امام عصر عرضه می شود و ایشان از اعمال خوب و پسندیده مردم شاد و از اعمال ناشایست آنها اندوهگین می شوند.

در اینجا برای روشن تر شدن موضوع به برخی از روایاتی که در این زمینه از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است، اشاره می کنیم:

ابوبصیر در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

تُعْرَضُ الْأَعْمالُ عَلی رَسُولِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ أَعْمالُ الْعِبادِ کُلَّ صَباحٍ أَبْرارَها وَ فُجّارُها فَاحْذَرُوها وَ هُوَ قَوْلُ اللّهِ تَعالی: «إِعْمَلُوا فَسَیَرَی اللّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ».(۲)

اعمال نیک و بد همه بندگان هر صبحگاه بر پیامبر عرضه می شود. پس مراقب باشید. این سخن خدای تعالی است که: «و بگو [هر کاری می خواهید]بکنید، که به زودی خدا و پیامبرش در کردار شما خواهند نگریست».

در روایت دیگری «سماعه» نقل می کند که روزی امام صادق علیه السلامفرمود:

مالَکُمْ تَسُوئُونَ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله وسلم؟!

چرا فرستاده خدا را اندوهگین می سازید؟

در این هنگام مردی پرسید: چگونه ما او را اندوهگین می سازیم؟ و آن حضرت رد پاسخش فرمود:

أَما تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمالَکُمْ تُعْرَضُ عَلَیْهِ فَإِذا رَأی فِیها مَعْصِیَهً ساءَهُ ذلِکَ

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: الکافی، ج ۱، صص ۲۱۹ و ۲۲۰؛ بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۳۳۳ _ ۳۳۵.
۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱.

فَلاتَسُوئُوا رَسُولَ اللّهِ وَ سُرُّوهُ.(۱)

مگر نمی دانید که اعمال شما بر آن حضرت عرضه می شود و چون گناهی در آن ببیند، اندوهگین می شود؟ پس فرستاده خدا را اندوهگین نکنید و او را شادمان سازید.

اینکه در روایات یادشده، تنها از عرضه اعمال مردم بر پیامبر خدا و آگاهی آن حضرت از رفتار و کردار آنها سخن به میان آمده است، هرگز به معنای انحصار ویژگی یادشده به آن حضرت نیست؛ زیرا این ویژگی از آنِ حجت های الهی در هر عصر است و امامان معصوم علیهم السلام نیز _ چنان که خود در موارد متعددی بیان فرموده اند _ چون پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم از این ویژگی برخوردارند.

مُعَلَّی بن خُنَیس، یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در تفسیر این سخن خدای تبارک و تعالی که «إعْمَلُوا فَسَیَری اللّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» فرمود:

هُوَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله وسلم وَ الْأَئِمَّهُ. تُعْرَضُ عَلَیْهِمْ أَعْمالُ الْعِبادِ کُلَّ خَمِیسٍ.(۲)

اعمال بندگان در هر پنجشنبه بر پیامبر خدا و ائمه علیهم السلام عرضه می شود.

یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام نیز می گوید:

روزی به امام رضا علیه السلام عرض کردم: برای من و خانواده ام به درگاه خدا دعا کنید و آن حضرت فرمود:

أَوَلَسْتُ أَفْعَلُ وَ اللّهِ إِنَّ أَعْمالَکُمْ لَتُعْرَضُ عَلَیَّ فِی کُلِّ یَوْمٍ وَلَیْلَهٍ.

مگر دعا نمی کنم؟! به خدا سوگند که اعمال شما در هر صبح و شام بر من عرضه می شود.

ص: ۷۱

۱- همان، ح ۳.

۲- محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۲۷، ح ۲.

راوی می گوید: این مطلب بر من سنگین آمد. پس امام به من فرمود:

أَما تَقْرَءُ کِتابَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ: «قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ»؟ هُوَ وَاللّهِ عَلیُ بْنِ أَبِی طالِبٍ.(1)

مگر تو کتاب خدای عزوجل را نمی خوانی که می فرماید: «و بگو [هر کاری می خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریست؟» به خدا که آن مؤمن علی بن ابی طالب است.

امام مهدی علیه السلام نیز در یکی از توقیعات شریف خود که خطاب به شیخ مفید رحمه اللهصادر شده است، به آگاهی و اطلاع کامل خود بر احوال شیعیان اشاره کرده و می فرماید:

فَإِنّا نُحِیطُ [یُحِیطُ] عِلْما [عِلْمُنا] بِأَنْبائِکُمْ وَ لایَعْزُبُ عَنّا شَیْ ءٌ مِنْ أَخْبارِکُمْ.(2)

ما بر احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.

در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا در برخی روایات گفته شده که اعمال مردم هر شبانه روز بر پیامبر یا ائمه علیهم السلامعرضه می شود و در برخی دیگر گفته شده که اعمال مردم هر پنج شنبه بر این حضرات عرضه می گردد؟ در پاسخ باید گفت این دو دسته روایات هیچ منافاتی با یکدیگر ندارند؛ زیرا احتمال دارد افزون بر عرضه روزانه اعمال مردم بر حجت های خدا، در هر پنج شنبه نیز اعمال یک هفته مردم به صورت یک جا بر آنها عرضه شود.(3)

1- الکافی، ج 1، ص 219، ح 4.

2- احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ اول، قم، اسوه، 1413 ق، ج 2، ص 497؛ بحارالانوار، ج53، ص 175.

3- مولی محمدصالح مازندرانی، شرح اصول کافی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1421 ق، ج5، ص 291.

۱۸ و ۱۹. چاره سازی و مشکل گشایی

۱۸ و ۱۹. چاره سازی و مشکل گشایی

«یَقْضِی حاجَتَهُ، وَ یَشْفَعُ مَسأَلَتَهُ؛ نیازمندی او را برآورده سازد و درخواست او را پاسخ گو باشد».

یکی از عبادات ارزشمند الهی و یکی از بهترین اعمال صالح، تلاش برای رفع نیازمندی ها و احتیاجات برادران و خواهران ایمانی و یاری کردن آنها در رسیدن به خواست ها و حوایجشان است.

همچنین این مسئله یکی از ضرورت های زندگی اجتماعی و شرط انکارناپذیر برادری و پیوند میان اهل ایمان است. در واقع، بدون رسیدگی جدی به حال دوستان و اطرافیان، دوستی و خویشاوندی، مفهوم خود را از دست می دهد و جز یک شعار بی معنی نخواهد بود.

از همین رو، مکتب انسان ساز اسلام که همواره در پی ایجاد پیوند برادری و روح هم بستگی میان پیروان خود و به طور کلی همه انسان هاست، به این موضوع بسیار توجه کرده و مسلمانان را به یاری و هم دلی با یکدیگر و توجه به نیازمندی ها و احتیاجات افراد پیرامون خود فراخوانده است. حتی پیامبر اسلام، این موضوع را از شرایط اسلام و مسلمانی ذکر می کند و می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ لایَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ فَلَیْسَ مِنْهُم وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلاً یُنادِی یا لَلْمُسْلِمینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ.(۱)

هر کس صبح کند و به امور مسلمین همت نگمارد، از آنها نیست. هر کس بشنود مردی از او یاری می طلبد، ولی جوابش را نگوید، مسلمان نیست.

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید:

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵.

مَن قَضی لِمُؤمِنٍ حاجَةً قَضَی اللّه ُلَهُ حَوائِجَ کَثیرَةً أدناهُنَّ الجَنَّهُ.(۱)

هر کس حاجتی از برادر مؤمن خود را برآورده سازد، خداوند نیز در مقابل، حوایج و درخواست های فراوانی را از او برآورده می سازد که کمترین آنها بهشت است.

پس بی دلیل نبوده است که شاعر در وصف گره گشایی چنین سروده است:

صدها فرشته بر آن دست بوسه می زنند

کز کار خلق یک گره بسته وا کند

ائمه معصومین علیهم السلام نیز به موضوع برآوردن حوایج مؤمنان و مشکل گشایی از آنان بسیار توجه کرده و در کلمات خود فضایل بی شماری برای این موضوع برشمرده اند. امام صادق علیه السلام، در این زمینه می فرماید:

قَضاءُ حاجَهِ الْمُؤْمِنِ أَفضَلُ مِنْ أَلْفِ حَجَّهٍ مُتَقَبَّلَهٍ بِمَناسِکِها وَ عِتْقِ أَلفِ رَقَبَهٍ لِوَجْهِ اللّه ِ... .(۲)

برآوردن حاجات مؤمن از هزار حج مورد قبول و آزاد کردن هزار بنده به خاطر خدا، باارزش تر است.

بعضی از اصحاب امام محمدباقر علیه السلام به ایشان عرض کردند: «شیعه در جامعه ما زیاد است.» امام فرمود: «آیا بی نیاز نسبت به نیازمند عطوفت و مهربانی می کند؟ آیا نیکوکار از خطا کار می گذرد و آیا در مسائل مالی به همدیگر کمک می کنند؟» در جواب حضرتش گفته شد: «خیر». آن گاه آن جناب فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۵، ح ۷.

۲- همان، ح ۵.

لَیْسَ هؤُلاءِ الشِّیعَهَ، الشّیعَهُ مَنْ یَفْعَلُ هکَذا.(۱)

پس اینها شیعه نیستند؛ چون شیعه کسی است که این طور عمل کند.

در روایات ما کسی که نیازمندی را از در خانه خود براند یا جهت رفع مشکل برادر دینی خود قدم برندارد، خائن به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، معرفی و وعده عذاب الهی به چنین افرادی داده شده است. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَیُّما رَجُلٍ مِنْ أَصْحابِنَا إِسْتَعانَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوانِهِ فِی حاجَهٍ فَلَم یُبالِغْ بِکُلِّ جَهدِهِ فَقَدْ خانَ اللّه َوَ رَسُولَهُ وَ الْمُؤْمِنِینَ.(۲)

هر یک از یاران ما که یکی از برادرانش هنگام نیاز از او یاری بطلبد، ولی تمام توان خود را برای او به کار نبندد، به خدا، رسول او و مؤمنان خیانت کرده است.

آن حضرت در جایی دیگر می فرماید:

مَنْ سَأَلَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حاجَهً، مِنْ ضُرٍّ، فَمَنَعَهُ، مِنْ سَعَهٍ، وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَیْها مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَیْرِهِ حَشَرَهُ اللّه ُیَوْمَ الْقِیامَهِ مَغْلُولَهً یَدُهُ إِلی عُنُقِهِ حَتّی یَفْرَغَ اللّه ُمِنْ حِسابِ الْخَلْقِ.(۳)

هر کس برادر مؤمنش را که با درماندگی و با امید برآورده شدن حاجتی به پیش او آمده است، از خود براند، در حالی که خود او به تنهایی یا توسط دیگری توان برآورده ساختن نیاز آن برادر مؤمن را دارد، خداوند در روز قیامت، او را در حالی که دستانش به گردنش بسته شده است، محشور می سازد و به این حال نگاه می دارد تا آن گاه که از حساب خلق

۱- همان، ص ۳۱۳، ح ۶۹.
۲- همان، ج۷۵، ص۱۷۵، ح ۷.
۳- همان، ج۷۴، ص۲۸۷، ح۱۳.

فراغت یابد.

آری، مسلمانی تنها به زبان نیست، بلکه بسیار فراتر از تصور ماست. وظیفه ای که با پذیرش اسلام برعهده تک تک ما گذاشته می شود، چنان سنگین و بزرگ است که هر کس نمی تواند به سادگی ادعا کند که توانسته است به وظیفه مسلمانی خود عمل کند. به قول خواجه حافظ شیرازی:

گر مسلمانی از این است که حافظ دارد

آه اگر از پی امروز بود فردایی

نمی شود مسلمان بود، ولی نسبت به گرسنگی و تشنگی دیگر مسلمانان بی اعتنا ماند. نمی توان ادعای اسلام کرد و از فریادرسی نسبت به دیگران چشم پوشید. وظیفه اسلامی و انسانی ما حکم می کند که برای دردمندان جامعه خویش چاره جویی کنیم و به یاری آنها بشتابیم و بدانیم که خداوند این حق را بر گردن ما گذاشته است و باید آن را نسبت به صاحبانش ادا کنیم. امام صادق علیه السلام در بخشی از حدیثی که در آن به بیان حقوق لازم برادران مسلمان می پردازد، می فرماید:

اَلْحَقُّ الْخامِسُ، أَنْ لا تَشْبَعَ وَ یَجُوعُ وَ لاتَرْوی وَ یَظْمَأُ وَ لاتَلْبَسَ وَ یَعْری.(۱)

پنجمین حق برادر مسلمانت این است که نباید در حالی که او از گرسنگی رنج می برد، تو سیر و در حالی که او تشنه است، تو سیراب باشی و در حالی که او برهنه و بی پوشش است، تو جامه بر تن داشته باشی.

اگر مسلمانی، این گونه وظایف خود در برابر برادران و خواهران مسلمان خود عمل کند، خداوند نیز عمل خیر او را بی پاسخ نمی گذارد و پاداشی بزرگ به وی عطا می کند.

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ کَسی أَخاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عُرْیٍ، کَساهُ اللّه ُمِنْ سُنْدُسِ الْجَنَّهِ وَ إِسْتَبْرَقِها وَ حَرِیرِها وَ لَمْ یَزَلْ یَخُوضُ فِی رِضْوانِ اللّه ِ مادامَ عَلَی الْمَکْسُوِّ مِنْهُ سِلْکٌ.(۲)

کسی که برادر مؤمن خود را با اهدای پیراهنی از برهنگی بپوشاند، خداوند، او را با پارچه های بهشتی خواهد پوشاند و تا هنگامی که بر آن شخص تکه ای از آن پیراهن باقی باشد، پوشاننده در رضوان الهی به سر می برد.

در جای دیگر نیز می فرماید:

وَ مَنْ أَطْعَمَ أَخاهُ مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللّه ُمِنْ طَیِّباتِ الْجَنَّهِ وَ مَنْ سَقاهُ مِنْ ظَمَأٍ سَقاهُ اللّه ُمِنَ الرَّحِیقِ الْمَخْتُومِ رَیَّهً... .(۳)

هر کس برادر گرسنه اش را سیر کند، خداوند، او را از غذاهای بهشتی سیر می کند و هر کس وی را از تشنگی سیراب کند، خداوند، او را از آب دست نخورده بهشتی (رحیق مختوم) سیراب می کند.

بنابراین، با توجه به مسئولیت سنگینی که در برابر دیگر افراد جامعه داریم و همچنین با در نظر داشتن فضیلت والای برآوردن حوایج و درخواست های دیگران، باید نکات زیر را همواره در نظر داشته باشیم:

۱. قبل از آنکه برادر یا خواهر دینی مان به ما مراجعه کند، حاجتش را برآوریم و در رفع مشکلش بکوشیم.

۲. اگر برادر یا خواهر مسلمانی برای درخواست حاجتی به ما مراجعه کرد، نهایت سعی خود را به کار بریم تا ناامید از پیش ما برنگردد و مطمئن

۱- وسائل الشیعه، ج۸، ص۵۴۴، ح ۷.
۲- بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۹۴، ح۱۱.
۳- همان .

باشیم هر قدمی که در راه برآوردن نیاز مسلمانی دردمند برمی داریم، در پیشگاه خداوند محفوظ است و حتی قطره عرقی که در این مسیر بر پیشانی ما می نشیند، نزد خداوند دارای اجر و ثواب خواهد بود. امام صادق علیه السلامفرمود:

مَنْ عَرِقَتْ جَبْهَتُهُ فِی حاجَهِ أَخِیهِ فِی اللّه ِ عَزَّوَجَلَّ لَمْ یُعَذِّبْهُ بَعْدَ ذلِکَ.(۱)

خداوند عزّ وجلّ، کسی را که در مسیر برآوردن نیاز برادر دینی اش عرق بر پیشانی اش نشسته است، عذاب نخواهد کرد.

۲۰. دعا برای سلامتی او به هنگام عطسه

۲۰. دعا برای سلامتی او به هنگام عطسه

«وَ یُسَمِّتُ عَطْسَتَهُ؛ هرگاه عطسه کرد برای او دعا کند».

مکتب اسلام در ترسیم روابط اجتماعی مؤمنان حتی نکات به ظاهر ساده و کم اهمیت را از نظر دور نداشته و با چنان دقتی همه مصادیق و موارد این روابط را برشمرده است که انسان را به تعجب وامی دارد.

شاید برای بسیاری از ما این موضوع که باید به هنگام عطسه برادر یا خواهر مؤمن خود، برای او دعا و با گفتن جملاتی چون «یَرْحَمَکَ اللّهُ؛ خدا به تو رحم کند» یا «عافاکَ اللّهُ؛ خدا تو را به سلامت بدارد» برای او آرزوی سلامتی کنیم، موضوعی ساده و کم اهمیت جلوه کند، ولی همین موضوع به ظاهر ساده و کم اهمیت از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و دیگر پیشوایان دین یکی از حقوق مؤمنان به شمار آمده و در روایات متعددی بر آن تأکید شده است.

پیامبر گرامی اسلام در روایتی که در آن به چند حق از حقوق مسلمانان بر یکدیگر اشاره کرده است، می فرماید:

۱- محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الإعمال، تهران، مکتبه الصدوق، باب۷۵۲، ح ۱۹.

... حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ... وَ إِذا عَطَسَ فُحَمِدَ اللّهَ فَشَمِّتْهُ.(۱)

... و هر گاه عطسه کرد و «الحمدلله» گفت او را [با گفتن جمله «يَرْحَمَکَ اللّهُ»]دعا کن.

در روایتی که داوود بن حفص از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، در این زمینه، چنین می خوانیم:

کُنّا عِنْدَ أَبِی عَبْدِاللّهِ عَلَيْهِ السَّلامِ وَ إِذْ عَطَسَ فَهَمَمْنا أَنْ نُسَمِّتَهُ فَقالَ: أَلا سَمَّتُّمْ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلى أَخِيهِ أَرْبَعَ خِصالٍ: إِذا عَطَسَ أَنْ يُسَمِّتَهُ و... .(۲)

خدمت اباعبدالله [امام صادق علیه السلام] بودیم که آن حضرت عطسه کرد. خواستیم که ایشان را [با گفتن جمله «یرحمك الله»] دعا کنیم که خود فرمود: آیا دعا نمی کنید؟ همانا چهار ویژگی از حق مؤمن بر مؤمن است: هنگامی که عطسه کرد او را دعا و برایش آرزوی سلامتی کند و... .

روایات دیگری نیز در این زمینه وارد شده است که به همین مقدار بسنده می کنیم.(۳)

۲۱. راهبری به مقصود

۲۱. راهبری به مقصود

«يُرْشِدُ ضالَّتَهُ؛ او را در یافتن گم شده اش راهنمایی کند».

یکی دیگر از وظایفی که ما نسبت به جامعه خود بر عهده داریم، یاری و مساعدت دیگران در یافتن گم شده شان و راهنمایی آنها در به دست آوردن مقصود و مطلوبشان است. این وظیفه بیانگر نوعی احساس هم دردی

۱- کنز العمال، ج ۹، صص ۲۸ و ۲۹، ح ۲۴۷۷۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۴۷، ح ۱۵.

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ك: همان، ص ۵۴۵، ح ۹، ص ۵۴۹، ح ۲۱ و ص ۵۵۰، ح ۲۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۶.

و دل جویی نسبت به برادران و خواهران ایمانی است.

در اینجا تفاوتی نـدارد که گم شـده از امور جزئی و کم اهمیت باشد یا هدف و مقصودی که فرد به تنهایی قادر به رسـیدن به آن نیست و نیازمند یاری و کمکی است که بتواند با تهیه مقدمات و امکانات لازم به آن هدف برسد.

در هر حـال، نکته مهم و قابـل توجه این است که مـا به گونه ای به دوست و برادر ایمـانی مـان بفهمـانیم که به وضع و حال او توجه داریم و از مسائل و مشـکلات او غافل نیستیم تا گمان نبرد که ما نسـبت به او بی اعتنا و به خیر و شر زندگی او بی توجه هستیم و هیـچ احساسـی در مورد مشـکلات و گرفتاری های او نـداریم. به بیان دیگر، در این گونه موارد حتی اگر هیچ کاری هم از دسـتمان برنمی آیـد، دست کم بایـد با ابراز هم دردی و دلـداری دادن به دوست و برادر خود مایه دل گرمی و امیـد او شویم.

به قول سعدی شیرین سخن:

گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم

ورت ز دست نیاید، چو سرو آزاد باش

۲۲ و ۲۳. پاسخ گویی به سلام؛ خوش صحبتی و حسن خلق

اشاره

۲۲ و ۲۳. پاسخ گویی به سلام؛ خوش صحبتی و حسن خلق

«یَرُدُّ سَلامَهُ وَ یُطَیِّبُ کَلامَهُ؛ سلامش را پاسخ گوید و با او به خوبی صحبت کند».

یکی دیگر از نکات اساسـی در معاشرت و برخورد با دیگران این است که هنگام روبه رو شدن با افراد اعمّ از آشنا و غیرآشنا، اولاً پاسخ سلام آنها را به شایستگی بدهیم و ثانیا در برخورد با آنها گشاده رو، متبسم و فروتن باشیم و با آنها به نیکویی سخن گوییم.

ص:۸۰

بـا کمـال تأسف، بعضـی افراد هنگام برخورد با دیگران ــ نعوذ باللّه ــ انگار که «برج زهر مار»! اخمو، خشک و بی روح انـد؛ گویی که از همه انتظار سلام و تعظیم دارند، ولی خود هیچ وظیفه ای نسبت به دیگران بر عهده ندارند.

پیامبر گرامی اسـلام که اشرف مخلوقات و گل سرسبد عالم خلقت است، چنان در برخورد و رفتار با دیگران، متواضع و فروتن بود و چنان با حسن خلق و روی گشاده با دیگران روبه رو می شد که حتی دشمنان آن حضرت نیز تعجب می کردند.

ابوسعید خدری، یکی از صحابه در وصف آن حضرت می گوید:

کانَ [رَسُولُ اللّه ِ] خَفِیفَ الْمَؤُونَهِ کَریمِ الطَّبِیعَهِ وَ جَمِیلَ الْمُعاشَرَهِ، طَلِقَ الْوَجْهِ، بَسّاما مِنْ غَیْرِ ضِحْکٍ: مَحْزُونا مِنْ غَیْرِ عُبُوسٍ.(۱)

او [رسـول خـدا] در زنـدگی، سـادگی و بی پیرایگی را انتخـاب کرده بـود، طبعی بزرگ داشـت. معاشـرتش [بـا مردم] زیبـا و پسـندیده بود. چهره ای گشاده داشت. بی آنکه بخندد، هماره لبخندی بر لب داشت و بی آنکه چهره اش گرفته و درهم باشد، محزون به نظر می رسید.

در جایی دیگر، به نقل از انس بن مالک، آن حضرت این گونه توصیف شده است:

کانَ رَسُولُ اللّه ِ أَحْسَنَ النّاسِ خُلْقا.(۲)

پیامبر خدا، خوش خوترین مردم بود.

یکی از همسران آن حضرت، ایشان را چنین وصف می کند:

ص: ۸۱

۱- سیدمحمد حسـین طباطبایی، سـنن النبی (آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامیاسلام صلی الله علیه و آله وسلم)، ترجمه: عباس عزیزی، چاپ هشتم، قم، صلاه، ۱۳۸۵، ص ۸۰، ح ۹۱؛ همچنین بحارالانوار، ج ۷۳، ص۲۰۸.
۲- ابوعبداللّه محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ج۱، ص۳۶۴.

كانَ أَلْيَنَ النّاسِ وَ أَكْرَمَ النّاسِ وَ كانَ رَجُلاً مِنْ رِجالِكَم إلاّ أَنَّهُ كانَ ضَحّاكا بَسّاما.(۱)

رسول خدا نرم خوترین و بزرگوارترین مردم بود. او همانند دیگر مردان، ولی بسیار گشاده رو بود و همیشه تبسم بر لبانش نقش بسته بود.

ازاین رو، شایسته است همه کسانی که خود را پیرو آن حضرت می دانند، در زندگی روزانه و در تماس ها و برخوردهایشان با دیگران، خوش رویی و حسن معاشرت را پیشه خود سازند و تا آنجا که در توان دارند، رفتارشان را مشابه رفتار آن حضرت گردانند.

خود آن حضرت خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

أَلا أُخْبِرُکَ بِأَشْبَهِکُمْ بِی خُلْقا... أَحْسَنُکُم خُلْقا، أَعظَمُکُم حِلْما وَ أَبَرُّکُمْ بِقَرابَتِهِ، وَ أَشَدُّکُم مِنْ نفْسِهِ إِنْصافا.(۲)

آیا می خواهی بدانی که شبیه ترین شما، از نظر خلق و خو، به من چه کسی است؟ ... کسانی از شما که اخلاقش، نیکوتر؛ بردباری اش، بیشتر؛ نسبت به نزدیکانش، خوش رفتارتر و در رفتار با دیگران، باانصاف تر باشد.

بنابراین، تنها با توجه به زیادی عبادت و فراوانی نماز و روزه نمی توان گفت ایمان شخصی کامل تر و پیروی اش از رسول اللّه صلی الله علیه و آله بیشتر است، بلکه نوع برخورد با مردم نیز ملاک مهمی در تشخیص میزان پیروی شخص از دستورهای اسلام است. چنان که وقتی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض می کنند: «فلان شخص روزها را به روزه داری و شب ها را به عبادت می گذراند، ولی بسیار بدخلق است و با همسایگانش بدزبانی می کند»، آن حضرت می فرماید:

۱- همان، ص ۳۶۵.

۲- بحارالانوار، ج۷۷، ص۵۹، ح ۲.

لا خَیْرَ فِیها هِیَ مِنْ أَهْلِ النّارِ.(۱)

در چنین فردی خیری نیست؛ او از اهل جهنم خواهد بود.

رسول گرامی اسلام در حدیثی دیگر می فرماید:

اِءنَّ صاحِبَ الْخُلْقِ الْحَسَنِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصّائِمِ الْقائِم.(۲)

پاداش انسان خوش خلق همانند پاداش روزه دارِ شب زنده دار است.

و در جایی دیگر می فرماید:

أَشْرَفُکُمْ عِنْدَ اللّه ِ أَحْسَنُکُمْ خُلْقا.(۳)

باارزش ترین شما نزد خداوند کسی است که از همه خوش اخلاق تر باشد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز دراین باره می فرماید:

حُسْنُ الْخُلْقِ رَأْسُ کُلِّ بِرٍّ.(۴)

خلق نیکو در رأس همه نیکویی هاست.

در ادبیات زیبای فارسی نیز آمده است:

نیکو گفته ست یزدان مر رسول خویش را

خوی نیکوست ای برادر گنج نیکی را کلید(۵)

پرسشی که در اینجا مطرح می شود، این است که حسن خلق چه شاخص هایی دارد و با رعایت چه نکاتی می توان به این صفت آراسته شد؟

۱- همان، ج ۷۱، ص ۳۹۴، ح ۶۳.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۵.

۳- کنزالعمّال، ج ۳، ص ۲۰، ح ۵۲۴۸.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۴۸۵۷.

۵- ناصرخسرو.

پاسخ این پرسش را با روایتی از امام صادق علیه السلام بیان می کنیم. آن حضرت در پاسخ این پرسش که: «حدود حسن خلق چیست؟» می فرماید:

تُلَیِّنُ جانِبَکَ، وَ تُطَیِّبُ کَلامَکَ، وَ تَلْقی أَخاکَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ.(۱)

[حسن خلق به این است که:] فروتنی و پیشه کنی، به نیکویی سخن گویی و با برادرت با خوش رویی برخورد کنی.

اینک برای تکمیل بحث، سه حدود اصلی را که امام صادق علیه السلام برای حسن خلق برشمرده است، به تفکیک بررسی می کنیم:

الف) فروتنی

الف) فروتنی

در این زمینه روایات بسیاری وارد شده است که از آن جمله می توان به این کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره کرد:

إِیّاکَ وَ الْکِبْرَ، فَإِنَّهُ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ وَ أَلْأَمُ الْعُیُوبِ وَ هُوَ حِلْیَهُ إِبْلِیسَ.(۲)

از تکبر و خودپسندی دوری کن که آن از بزرگ ترین گناهان، دردناک ترین [و تحمل ناپذیرترین] عیوب و زینت شیطان است.

جای تعجب و حیرت است چگونه موجودی که به تعبیر امام علی علیه السلام، دیروز نطفه ای بی ارزش بوده و فردا مرداری گندیده خواهد بود،(۳) به خود مغرور می شود و خود را از همه عالم و آدم برتر می داند، در حالی که می تواند با برخوردی شایسته و همراه با فروتنی، بسیار بهتر در دل اطرافیانش جای گیرد و سبب احترام و بزرگداشت حقیقی نسبت به خود شود.

مگر نه این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عین جلالت و بلندی مقام، چنان در

۱- الکافی، ج۲، ص۱۰۳، ح ۴.
۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج۲، ص۲۹۳، ح ۲۶۵۲.
۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶، ص۴۴۲ «عَجِبتُ لِلمُتِکَبِّرِ الَّذی کانَ بِالأَمسِ نُطفَهً وَ یَکوُنُ غَدا جیفَهً؛ در شگفتم از متکبر که دیروز نطفه بود و فردا مرداری بیش نخواهد بود».

اوج فروتنی و وقار بود که همه را شیفته خلق و خوی خود می کرد. پس بیاییم کاری کنیم که اطرافیان ما به خاطر محبت قلبی که از ادب و تواضع ما در دل دارنـد، به ما احترام گذارنـد، نه به خاطر ترس و دلهره ای که از رفتار متکبرانه و خودپسـندانه ما در آنها حاصل شده و موجب احترام ظاهری گردیده است.

به قول حافظ، منافاتی میان حفظ شخصیت ظاهری و فروتنی با مردم نیست:

نگه کردن به درویشان منافی بزرگی نیست

سلیمان با چنان حشمت، نظرها بود با مورش

ب) خوش زبانی

ب) خوش زبانی

دومین مشـخصه حسن خلـق، به نیکویی سـخن گفتن بـا مردم و خوش زبـانی بـا ایشـان است؛ بـدین معنـا که انسـان سـعی کند گفتـارش بـا دیگران همراه بـا نرمی و ملاطفت و رعـایت ادب و احترام باشـد و از به کـار بردن کلمـات توهین آمیز و عبارات زشت و ناپسـند در صـحبت هایش خودداری کنـد. در یک کلام، با مردم آن گونه سـخن بگویـد که دوست دارد با او سـخن گویند. چنان که امام محمدباقر علیه السلام در این باره می فرماید:

قُولُوا لِلنّاسِ أَحْسَنَ ما تُحِبُّونَ أَنْ یُقالَ لَکُمْ.(۱)

با مردم به زیباترین شیوه ای که دوست دارید آنها با شما سخن گویند، صحبت کنید.

پس بیاییم بیشتر در سخن گفتن خود بیندیشیم و همه چیز را بر زبان

۱- بحارالانوار، ج۷۱، صص۳۰۹ و ۳۱۰.

جاری نسازیم و زبان را از سخنان ناروا حفظ کنیم که به فرموده امام علی علیه السلام:

حِفْظُ اللِّسانِ وَ بَذْلُ الْاءِحْسانِ مِنْ أَفْضَلِ فَضائِلِ الْاءِنسانِ.(۱)

حفظ زبان و احسان [به دیگران] از برترین فضیلت های انسانی است.

و چه نیکو سروده است سعدی که:

مزن بی تأمل به گفتار دم

نکو گو اگر دیر گویی چه غم

ج) خوش رویی

ج) خوش رویی

بخش عمده ای از حسن خلق را گشاده رویی و حسن معاشرت در برخورد با دیگران تشکیل می دهد و شایسته است که همواره در ملاقات با اطرافیان خود آن را در نظر داشته باشیم.

در این موضوع، هیچ تفاوتی ندارد که با چه کسی روبه رو هستیم و آیا رابطه طرف مقابل با ما دور است یا نزدیک. در هر حال باید با هر کس که سر و کار داریم، خواه پدر و مادر، برادر و خواهر و دوستان و آشنایان و خواه همکاران، هم کلاسی ها و کسانی که روزانه در اجتماع با آنها برخورد داریم، خوش رفتاری را رعایت کنیم.

به تعبیر امام صادق علیه السلام، یکی از سه چیزی که بهشت را بر انسان واجب می کند، «خوش رویی با همه اهل عالم» است:

ثَلاثٌ مَن أَتَی اللّه ِبِواحِدَهٍ مِنْهُنَّ أَوْجَبَ اللّه ُلَهُ الْجَنَّهَ: أَلْاءِنْفاقُ مِنَ الْاءِقتارِ وَ

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ج۳، ص۴۰۳، ح ۴۸۹۹.

البِشْرُ بِجَمِيعِ الْعالَمِ وَ الْاءِنْصافُ مِنْ نَفْسِهِ.(۱)

سه چیز است که هر کس با یکی از آنها به پیشگاه خدا حاضر شود، خداوند بهشت را بر او واجب می کند: انفاق در حال تنگ دستی، خوش رویی با همه عالم و رعایت جانب انصاف.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

إِذا لَقِيتُمْ إِخْوانَكُمْ فَتَصافَحُوا وَ أَظْهِرُوا لَهُمُ الْبَشاشَهَ وَ الْبِشْرَ، تَتَفَرَّقُوا وَ ما عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوزارِ قَدْ ذَهَبَ.(۲)

هنگامی که با برادران خود ملاقات می کنید، به گرمی دست یکدیگر را بِفشرید و با تبسم و روی گشاده با هم روبه رو شوید [و بدانید] که اگر این کار را انجام دهید، آن گاه که ملاقات شما تمام و از هم جدا می شوید، خداوند همه گناهان شما را آمرزیده است و هیچ آلودگی بر شما باقی نمی گذارد.

بنابراین، در برخوردهای روزانه و نشست و برخاست هایمان با دیگران، قبل از هر چیز باید سلام و احوال پرسی همراه با خوش رویی و تبسم را در نظر داشته باشیم و قبل از هر سخن، سلام را بر زبان جاری سازیم؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ما را از پاسخ دادن به سخنان کسی که قبل از سلام شروع به صحبت می کند، نهی کرده است:

مَنْ بَدَءَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلامِ فَلاتُجِيبُوهُ.(۳)

به کسی که قبل از سلام، شروع به صحبت کرده است، پاسخ ندهید.

۱- الکافی، ج۲، ص۱۰۳، ح۲.
۲- بحارالانوار، ج۷۶، ص ۲۰، ح۳.
۳- همان، ص۳، ح ۶.

همچنین به ما دستور داده است که سلام را در همه حال، بلند و رسا ادا کنیم:

إِفْشِ السَّلامَ یَکْثُرْ خَیْرُ بَیْتِکَ.(۱)

سلام را بلند و رسا بیان کنید تا بر برکت خانه تان افزوده شود.

قرآن کریم نیز به ما دستور می دهد که:

وَ إِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّهٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللّهَ کانَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ حَسیبًا.(۲)

و چون به شما درود گفته می شود، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گویید، یا همان را [در پاسخ] برگردانید؛ که خدا همواره به هر چیزی حساب رس است.

در ثواب سلام کردن و پیشی گرفتن در آن همین بس که مولای ما علی علیه السلام می فرماید:

لِلسَّلامِ سَبْعُونَ حَسَنَهً، تِسْعٌ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِیءِ وَ واحِدَهٌ لِلرّادِّ.(۳)

برای سلام کردن، هفتاد حسنه و ثواب قرار داده شده که شصت و نه قسمت از آن برای شروع کننده سلام و یک قسمت از آن برای پاسخ دهنده سلام است.

نکته پایانی اینکه همواره باید توجه داشته باشیم پاسخ دادن به سلام، چنان که در کلام پیامبر عظیم الشأن اسلام نیز آمده بود، حقی از حقوق مؤمنان است و اگر ما در این موضوع کوتاهی کنیم، در حقیقت، حقوق برادران مؤمن خود را تضییع کرده ایم.

ص :۸۸

۱- همان، ص۵، ح۸.
۲- سوره نساء ۴، آیه ۸۶.
۳- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱، ح ۴۶.

۲۴. ارج نهادن و ارزش گذاری

۲۴. ارج نهادن و ارزش گذاری

«یُبِرُّ إِنْعامَهُ؛ لطف و احسان او را ارج نهد».

در بیان چهاردهمین و پانزدهمین وظیفه اجتماعی اهل ایمان گفتیم که همه ما موظفیم خوبی های دیگران را پاسخ دهیم و از زحماتی که دیگر برادران یا خواهرانمان به خاطر ما متحمل می شوند، قدردانی کنیم. در اینجا رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مطلبی کلی تر اشاره می فرماید. مؤمنان باید با کم کردن سطح توقّع و انتظاراتشان از یکدیگر، کارهایی را که دیگر برادران و خواهران ایمانی آنها در حق شان انجام می دهند، بزرگ شمارند و برای آنها ارزش قائل شوند.

به عبارت دیگر، در اینجا کمیّت و میزان عملی که دوست، خویشاوند، همکار و در یک کلام، برادر یا خواهر مؤمن ما به خاطر ما انجام داده یا مقدار زحمتی که متحمل شده است، به هیچ وجه مطرح نیست و تنها بر این اساس که لطف و احسانی از ناحیه آن برادر یا خواهر ایمانی سر زده و همین برای قدردانی کافی است، باید به ارزیابی تلاش های دیگران بپردازیم.

به قول حافظ شیرازی:

ز سنگ تفرقه خواهی که منحنی نشوی

مشو بسان ترازو تو در پی کم و بیش

پس اگر کسی برای ما هدیه ای آورد یا برای ما کاری انجام داد یا ما را به

مهمانی دعوت کرد، بایـد با خودداری از ایرادگیری و کم کردن ارزش کار او، از بیان جملاتی چون: «کار مهمی انجام نـداده است»، «هـدیه اش ارزش چنـدانی هم نـدارد»، «چرا چنین و چنان نکرده بود؟» و... به جدّ پرهیز کنیم و همواره چنین فکر کنیم که دوست یـا خویشاونـد ما آنچه در حـدّ توان و قـدرتش بوده، انجام داده است و اگر بیش از این هم می توانست، دریغ نمی ورزید. ازاین رو، بر ماست که لطف و محبتش را هرچند ناچیز، ارج نهیم.

با کمال تأسف، برخی از مردم این گونه اند که احسان دیگران را دست کم می گیرند و ارزشی برای تلاش های دیگران قائل نمی شوند و چنان متوقّع و از خود راضـی اند که خدمات دیگران در ترازوی آنها وزنی ندارد و همه چیز را به حساب وظیفه و عملی می گذارنـد که دیگری خواه نـاخواه بایـد انجـام می داد می گذارنـد. در مقابـل، اگر خودشان کاری برای کسـی انجام دهند، چنان آن را بزرگ جلوه می دهند و از آن تعریف می کنند که گویی بزرگ ترین خدمت ها را نسبت به آن فرد انجام داده اند.

به دلیل همین خصوصـیت، چنین افرادی هیچ گاه از دیگران راضی نمی شوند و همواره موردی برای ایرادگیری پیدا می کنند. این خصوصـیت افزون بر اینکه موجب آزردگی اطرافیان انسان می شود، برای خود شـخص نیز زمینه ساز رنـج و انـدوه دایمی است. به فرموده امام علی علیه السلام:

مَنْ لَمْ یَرْضَ مِنْ صَدِیقِهِ إِلاّ بِإِیثارِهِ عَلی نَفْسِهِ دامَ سَخَطُهُ.(۱)

کسی که از دوستش راضی نمی شود مگر اینکه همه چیز را به پای او بریزد، همواره در رنج و اندوه خواهد ماند.

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ج۵، ص۴۱۲، ح ۸۹۷۶.

۲۵. پذیرش سوگند

۲۵. پذیرش سوگند

«يُصَدِّقُ أَقْسامَهُ؛ سوگندهای او را تصدیق کند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ادامه سخنانشان در زمینه تکالیف اهل ایمان نسبت به یکدیگر می فرماید مؤمنان باید بر اساس اعتماد و اطمینانی که میان آنها وجود دارد، در مواقع لزوم مؤیّد یکدیگر باشند و هر یک، سوگند دیگری را تصدیق کند و مورد تأیید قرار دهد.

به عبارت دیگر، باید چنان حالت اعتماد و اطمینانی میان مسلمانان نسبت به یکدیگر وجود داشته باشد که قول و سخن معمولی هر یک برای دیگری در حکم سند و مدرکی قطعی و انکارناپذیر باشد و بتوانند به راحتی یکدیگر را تصدیق کنند؛ تا چه رسد به سوگند؛ چراکه در آموزه های اسلامی سوگند از جایگاه ویژه ای برخوردار است تا آنجا که در نظام قضایی اسلام بسیاری از حقوق مالی و غیرمالی با سوگند اثبات یا رد می شود. از همین رو، در روایات تأکید شده است که اولاً از سوگند خوردن بدون ضرورت، خواه صادق و خواه کاذب، خودداری کنیم و ثانیا از سوگند خوردن به دروغ بپرهیزیم؛ چرا که این عمل در حکم جنگ با خداست.

در روایتی که دراین باره از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است، چنین می خوانیم:

يا عَلِّي! لاتَحْلِفْ بِاللّهِ كاذِبا وَ لاصادِقا مِنْ غَيْرِ ضَرُورَهٍ، وَ لاتَجْعَلِ اللّهَ عُرْضَهً لِيَمِينِكَ،(۱) فَإِنَّ اللّهَ لايَرْحَمُ وَ لايَرْعَى مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كاذِبا.(۲)

ای علی! هرگز بدون ضرورت به نام سوگند نخور، چه به دروغ، چه به

ص :۹۱

۱- اشاره به آیه ۲۲۴ سوره بقره: «وَ لا تَجْعَلُوا اللّهَ عُرْضَهً لِأَيْمانِكُمْ...؛ و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید».

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۶۷، ح؟.

راست، و خدا را دستاویز سوگند خود قرار مده؛ چرا که خداوند به کسی که به دروغ به نام او سوگند خورده است، رحم ندارد و او را حمایت نمی کند.

امام صادق علیه السلام نیز در همین زمینه می فرماید:

مَنْ حَلَفَ عَلی یَمِینٍ وَ هُوَ یَعْلَمُ أَنَّهُ کاذِبٌ بارَزَ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ.(۱)

هر کس [به نام خدا] سوگند بخورد، در حالی که می داند دروغ می گوید، به جنگ با خدا برخاسته است.

با توجه به آنچه گفته شد و با این فرض که مؤمن هیچ گاه به دروغ و بدون ضرورت سوگند نمی خورد، حق مؤمن بر مؤمن اقتضا می کند که اگر برادر یا خواهر ایمانی ما برای اثبات سخن خود یا رد سخن ما، سوگند خورد، قسم او را بپذیریم و با او به چون و چرا نپردازیم.

البته مسلّم است که این میزان اعتماد و وثوق به راحتی حاصل نمی شود و احتیاج به این دارد که مدت زمانی نسبتا طولانی از عمر دوستی ها و روابط میان افراد بگذرد تا به مرور زمان پس از طی مراحل مختلف دوستی و پشت سر گذاشتن امتحان ها و آزمایش های مختلف، دو نفر به طور کامل نسبت به یکدیگر اطمینان حاصل کنند. امیرالمؤمنین علی علیه السلامی فرماید:

أَلْطُّمَأْنِینَهُ إِلی کُلِّ أَحَدٍ قَبْلَ إِلاخْتِبارِ لَهُ عَجْزٌ.(۲)

اعتماد به هر کس پیش از آزمایش وی، نشان درماندگی است.

در جای دیگر نیز می فرماید:

لا تَثِقْ بِالصَّدِیقِ قَبْلَ الْخُبْرَهِ.(۳)

هرگز قبل از آنکه دوستت را آزمایش کنی، به او اعتماد نکن.

۱- همان، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹، ح؟.
۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۸۴، ص۴۹۷؛ بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۸۶، ح ۲۱.
۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج۶، ص۲۸۲، ح ۱۰۲۵۷.

شاعر نیز چنین می سراید:

ای بسا ابلیس آدم رو که هست

پس به هر دستی نباید داد دست

بعد از آنکه فرد در اثر گذر زمان نسبت به دوست و برادر مسلمان خود به طور کامل اطمینان حاصل کرد، باید به عنوان وظیفه ای که در مقابل او دارد، در مواردی که لازم است، او را تصدیق و تأیید کند.

۲۶ و ۲۷. گسترش دامنه دوستی و ترک دشمنی و کینه توزی

۲۶ و ۲۷. گسترش دامنه دوستی و ترک دشمنی و کینه توزی

«یُوالِی وَلِیَّهُ وَ لایُعاد [و یُعادِی عُدُوَّهُ]؛ با دوستان او دوستی کند و با او به دشمنی برنخیزد [و با دشمنان او دشمنی کند]».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حدیثی، دوستان و دشمنان انسان را چنین معرفی می کند:

أَصْدِقاؤُکَ ثَلاثَهٌ، وَ أَعْداؤُکَ ثَلاثَهٌ: فَأَصْدِقاؤُکَ؛ صَدِیقُکَ، وَ صَدِیقُ صَدِیقِکَ، وَ عَدُوُّ عَدُوِّکَ، وَ أَعْداؤُکَ عَدُوُّکَ، وَ عَدُوُّ صَدِیقِکَ، وَ صَدِیقُ عَدُوِّکَ.(۱)

دوستان تو سه کس و دشمنان تو نیز سه کس هستند. دوستان تو: دوست تو، و دوستِ دوستِ تو، و دشمنِ دشمنِ توست. و دشمنان تو: دشمن تو و دشمن دوستِ تو، و دوستِ دشمن توست.

بنابراین، انسان افزون بر اینکه با بعضی به طور مستقیم دوستی یا دشمنی دارد،

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۹۵، ص۴۷۹.

با بعضی هم با واسطه و به خاطر دوست خود، دوستی یا دشمنی می ورزد.

احترام و ارزشی که ما برای دوستمان قائل هستیم، حکم می کند که نه تنها با خود او، بلکه با دوستان او نیز رابطه دوستی و الفت داشته باشیم و با کسی که با او به دشمنی برخاسته است، طرح دوستی نریزیم؛ چرا که در حکم دشمنی با دوستمان است. چنان که امام علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندانش می فرماید:

لاتَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِکَ صَدِيقًا فَتُعادِیَ صَدِيقَکَ.(۱)

هرگز دشمنِ دوستت را به دوستی نگیر؛ که با این کار با دوستت به دشمنی برخاسته ای.

همان طور که در احادیث بر فضیلت دوستی و محبت میان برادران مسلمان تأکید شده، از دشمنی و کینه توزی در بین آنها نیز به شدت نهی شده است و اهل ایمان را از آن برحذر داشته اند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

مانُهِيتُ عَنْ شَيْ ءٍ بَعْدَ عِبادَهِ الْأَوْثانِ عَنْ مُلاحاهِ الرِّجالِ.(۲)

بعد از پرستش بت ها، از هیچ چیز به اندازه دشمنی (منازعه) با مردم نهی نشده ام.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

رَأْسُ الْجَهْلِ مُعاداهُ النّاسِ.(۳)

بالاترین حد نادانی، دشمنی با مردم است.

آری، «هر کس بذر دشمنی بیفشاند، جز زیان کاری و ندامت چیزی درو

۱- بحارالانوار، ج۷۷، ص ۲۱۱، ح ۱.
۲- همان، ص۱۴۷، ح ۵۰.
۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج۴، ص ۵۱، ح۵۲۴۷.

نمی کند.»(۱) ثمره کینه توزی و دشمنی با اطرافیان جز برافروختن آتش خشم و غضب و از بین بردن صفا و محبت نیست(۲) و در نهایت هم به بی آبرویی و از دست رفتن شخصیت اجتماعی انسان ختم خواهد شد.(۳)

حافظ نیز در این زمینه خوش سروده است که:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آرد

۲۸. خیرخواهی و فریادرسی

۲۸. خیرخواهی و فریادرسی

«یَنْصُرُهُ ظالِما وَ مَظْلُوما، فَأَمّا نُصْرَتُهُ ظالِما فَیَرُدُّهُ عَنْ ظُلْمِهِ وَ أَمّا نُصْرَتُهُ مَظْلُوما فَیُعِینُهُ عَلی أَخْذِ حَقِّهِ؛ او را [در هر حال] یاری کند، خواه ستمگر باشد و خواه ستم دیده! اما یاری او در حالی که او ستم می کند، به این است که او را از ستم برحذر دارد و اما یاری او در حالی که او مورد ستم واقع شده، به این است که او را در گرفتن حقش یاری کند.

گفتیم که یک مسلمان نباید در هیچ حالی از برادر و خواهر مسلمان خود غافل شود، بلکه باید همواره مراقب و مواظب حال او باشد تا به مجرد پیش آمدن موقعیت های ناگوار برای او به یاری اش بشتابد و دستش را بگیرد.

روشن است که این یاری و دست گیری هم مربوط به امور دنیایی و حفظ

۱- همان، ج۵، ص۲۱۴، ح۸۰۳۳: «مَنْ زَرَعَ العُدْوانَ حَصَدَ الْخُسْرانَ».

۲- بحارالانوار، ج۷۸، ص۱۸۶، ح۲۲: «إِیّاکُمْ وَ الْخُصُومَهَ فَإِنَّها تُفْسِدُ الْقَلْبَ وَ تُورِثُ النِّفاقَ». امام باقر علیه السلام.

۳- همان، ج۷۵، ص۲۱۱، ح۹: «إِیّاکَ وَ عَداوَهَ الرِّجالِ فَإِنَّها تُورِثُ الْمَعَرَّهَ وَ تُبْدِی ءُ الْعَوْرَهَ». امام صادق علیه السلام

او از گرفتاری ها و ناملایمات این جهان می شود و هم نگه داری و حفظ او از درافتادن به مصایب و رویدادهای دردناک جهان آخرت را دربرمی گیرد.

آنچه از مفهوم کمک و یاری به دیگران به طور معمول در ذهن ما نقش بسته، این است که در مواقع لزوم، فریادرس مظلومان و نجات دهنده آنها از چنگال ظالمان و زورگویان باشیم، در حالی که این تنها یک بعد موضوع را تشکیل می دهد.

از نظر اسلام، حتی آن انسانی هم که دست به ستمگری و از بین بردن حق دیگران می زند، سزاوار یاری و دست گیری است، ولی در اینجا موضوع شکل دیگری به خود می گیرد. مفهوم یاری در اینجا برحذر داشتن او از عواقب و نتایج سهمگین تجاوز و پای مال کردن حقوق دیگران است. به عبارت دیگر، در اینجا او را یاری می دهیم که به راه صحیح برگردد.

این عمل، سیره و روش انبیای عظام الهی بوده است و آنها نه تنها برای نجات محرومان و مستضعفان از چنگال مستکبران و زورگویان اقدام می کردند، بلکه خود را موظف می دانستند که به سراغ ستمگران و طغیان پیشگان نیز روند و آنها را پند و اندرز دهند و از عاقبت شوم ستمگری برحذر دارند.

نمونه این موضوع، جریان مقابله حضرت موسی و برادرش هارون با فرعون زمان خویش است که خداوند به ایشان امر می فرماید:

إِذْهَبا إِلی فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغی فَقُولا لَهُ قَولاً لَیِّنا لَعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أَوْ یَخْشی.(۱)

به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته است و با او سخن نرم گویید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.

با توجه به مطالب یادشده، وظیفه و مسئولیت ما در برابر دوستان و

۱- سوره طه ۲۰، آیه ۴۴.

اطرافیانمان سنگین تر می گردد و همه ما موظف می شویم که به عنوان ادای حق برادر یا خواهر مسلمانمان، او را از قدم زدن در طریق ظلم و بی عدالتی بازداریم و به او گوشزد کنیم که:

ز گوش پنبه برون آر و داد خلق بده

که گر تو می ندهی داد، روز دادی هست(۱)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

مَنْ رَأى أَخاهُ عَلى أَمْرٍ يُكْرِهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ، وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَقَدْ خانَهُ.(۲)

هر کس برادر خود را در حال ارتکاب عمل ناشایستی ببیند و با وجود قدرت بر بازداشتن او از آن عمل، برحذرش ندارد، در حقیقت، به او خیانت کرده است.

همچنین وظیفه داریم در هر کجا که دیدیم برادر مسلمانی مورد ظلم واقع شده و حقش غصب گردیده است، دامن همت به کمر زنیم و در احقاق حق او تلاش کنیم و بدانیم که اگر قدمی در راه نجات محرومی و شاد کردن دردمندی برداریم، خداوند نیز این عمل ما را بی پاسخ نمی گذارد و مشکلات و گرفتاری های ما را رفع می کند. چنان که سعدی فرمود:

کام درویشان و مسکینان بده

تا همه کارت برآرد کردگار

۱- سعدی.

۲- بحارالانوار ، ج۷۵، ص۶۵، ح۲.

۲۹. همراهی در لحظات بحرانی

۲۹. همراهی در لحظات بحرانی

«لایُسْلِمُهُ وَ لایَخْذُلُهُ؛ او را به حال خود وامگذارد و از یاری اش فروگذاری نکند».

در قسمت های پیشین بحث درباره حدیث بلند و پرمحتوای رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شد که ارزش دوستی ها، پیوندها و حتی خویشاوندی ها در موقعیت های حساس و استثنایی زندگی آشکار می شود و در ناملایمات و فراز و نشیب های روزگار می توان دوستان و برادران صمیمی و وفادار را از رفیقان نیمه راه و همراهان بی وفا مشخص کرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

یُمتَحَنُ الصَّدِیقُ بِثَلاثِ خِصالٍ فَإِنْ کانَ مُؤاتِیا فِیها فَهُوَ الصَّدِیقُ المُصافِی وَ إِلاّ کانَ صَدِیقُ رَخاءٍ لاصَدِیقُ شِدَّهٍ... .(۱)

دوستان خود را برای یافتن چند خصوصیت مورد آزمایش قرار دهید. پس اگر خصایص موردنظر را در ایشان یافتید، مطمئن باشید که به دوستی صمیمی و رفیقی باوفا دست یافته اید، وگرنه بدانید که آن فرد، جز در راحتی و آسایش، شما را همراهی نمی کند و به گاه سختی ها و مشکلات، شما را رها خواهد ساخت.

خصوصیات مورد نظر آن حضرت با آزمون های زیر معلوم می گردد:

تَبْتَغِی مِنْهُ مالاً، أَوْ تَأْمَنْهُ عَلی مالٍ، أَوْ تُشارِکُهُ فِی مَکْرُوهٍ.(۲)

از او مالی درخواست کن [تا با مشاهده برخورد او با این موضوع به میزان فداکاری و از خود گذشتگی او واقف شوی]؛ مالی را بدو بسپار [تا امانت داری او بر تو معلوم گردد] و از او درخواست کن که در امر

۱- همان، ج۷۸، ص۲۳۵، ح ۶۰.

۲- همان.

مشکلی تو را همراهی کند [تا بفهمی که آیا در سختی ها و مشکلات زندگی همراه و غم خوار تو خواهد بود یا خیر؟]

در حدیثی دیگر، امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد می فرماید:

أَخُوکَ الَّذِی لایَخْذُلُکَ عِنْدَ الشِّدَّهِ، وَ لایَغْفُلُ عَنْکَ عِنْدَ الْجَرِیرَهِ، وَ لایَخْدَعُکَ حِینَ تَسْأَلُهُ... .(۱)

برادر تو کسی است که در سختی ها و شداید تو را رها نکند و در تنگناها از تو غافل نباشد و اگر درخواستی از او کردی، تو را ناامید نگرداند.

و راستی چه سخت است یافتن چنین یاران یک دل و دوستان باوفا و چه به جا سروده است:

آن کیمیا که می طلبی، یار یک دل است

دردا که هیچ گه نتوان یافت، آرزوست(۲)

۳۰. ترک خودبینی و خودخواهی

۳۰. ترک خودبینی و خودخواهی

«وَ یُحِبُّ لَهُ مِنَ الخَیرِ ما یُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ یَکرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ ما یَکرَهُ لِنَفْسِهِ؛ آنچه از خوبی ها برای خود می پسندد، برای او هم بپسندد و آنچه از بدی ها برای خود نمی پسندد برای او نیز نپسندد».

آخرین قسمت از حدیث پربار خاتم المرسلین صلی الله علیه و آلهدربردارنده تمامی حقوق و وظایفی است که حضرتش به آنها اشاره کرده است و به یک بیان، عصاره تمامی فضایل اخلاقی که در روابط اجتماعی مطرح می گردد، در این بخش

۱- همان، ج۷۷، ص ۲۷۱، ح ۱.

۲- پروین اعتصامی.

از کلام آن حضرت جمع گردیده است.

اصلی ترین و اساسی ترین عنصری که در ایجاد روح تعاون و هم دلی در یک اجتماع مؤثراست، این است که افراد آن اجتماع تنها خود را نبینند و فقط در فکر خود نباشند، بلکه هر یک از افراد تشکیل دهنده جامعه، رفاه و آسایش خود را در رفاه و آسایش دیگران و رنج و ناراحتی خود را در رنج و ناراحتی دیگران ببیند.

پیامبر اسلام در اینجا به ملاک و معیار کلی برای شناخت مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی افراد در برابر یکدیگر اشاره فرموده است و توجه ما را به این نکته جلب می کند که اگر انسان دست از خودبینی و خودخواهی بردارد؛ به فراتر از محدوده خواست ها و تمایلات خویش نیز بیندیشد؛ همواره جامعه و انسان های پیرامون خود را نیز در نظر داشته باشد و تنها در پی رسیدن به هدف و مقصود خود نباشد؛ هرگز حاضر نخواهد شد برای رفاه و آسایش خود، راحتی دیگران را به خطر بیندازد و به بهای گرفتاری و مشقت دیگران، برای خود آرامش و آسودگی تحصیل کند.

با توجه به نکاتی که تاکنون از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله برشمردیم، به خوبی روشن می شود که تمام یا بیشتر وظایفی که آن حضرت برای اهل ایمان ذکر فرموده است، زمانی تحقق می یابد و ضمانت اجرایی پیدا می کند که همه افراد جامعه، خواه بر اساس معیارها و ملاک های دینی و اخوّت و برادری ایمانی و خواه بر اساس معیارهای انسانی و ضوابطی که انسان ها به خاطر حفظ زندگی اجتماعی خود به آنها ملزم شده اند، منافع و مصالح خود را با منافع و مصالح کل جامعه تطبیق دهند. به دیگر سخن، تنها در پی جلب منافع شخصی و تحصیل مصالح فردی خود نباشند و مراقبت کنند که آنچه بر خود نمی پسندند، بر دیگران نیز روا ندارند و آنچه را خود طالب آن هستند، برای

دیگران نیز بخواهند.

تنها در این صورت است که می توان امیدوار بود همه افراد اجتماع به خوبی به وظایف و مسئولیت هایی که جامعه بر عهده آنها گذارده است، عمل کنند.

ص :۱۰۱

سخن پایانی

سخن پایانی

امیرمؤمنان علی علیه السلام که روایت حقوق را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است، در پایان این روایت می فرماید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّه ِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ إِنَّ أَحَدَکُمْ لَیَدَعُ مِنْ حُقُوقِ أَخِیهِ شَیْئا فَیُطالِبُهُ بِهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ فَیُقْضی لَهُ وَ عَلَیْهِ.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که آن حضرت می فرمود: در روز قیامت، برادر مسلمان شما که حقی از حقوق او را ادا نکرده اید، در پیشگاه خداوند، حق خود را مطالبه می کند و خداوند نیز به نفع او و به ضرر شما حکم خواهد کرد.(1)

دقت در این کلام کافی است که ما را در ادای حقوق دیگران و عمل کردن به وظایف و مسئولیت هایی که در قبال مردم جامعه خود داریم، جدی تر سازد و توجه ما را جلب کند که حتی اگر در این دنیا بتوانیم به بهانه هایی از زیر بار مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی خود شانه خالی کنیم یا به نحوی حقوق دیگران را پای مال کنیم، سرانجام در دادگاه عدل الهی می بایست پاسخ گو باشیم و از عهده حقی که ضایع ساخته ایم، برآییم. مولانا نیز می فرماید:

چون که بد کردی، بترس، ایمن مباش

زانک تُخمست و برویاند خُداش

ص: ۱۰۲

۱- وسائل الشیعه، ج۸، ص ۵۵۰، ح۲۴.

انقلاب اسلامی ایران با احیای ارزش ها و مفاهیم بلند اسلامی و معرفی اسلام به عنوان دین اجتماع و سیاست، در عصر حاضر توانست نگرش نوینی را نسبت به کارکرد دین در جامعه به وجود آورد و آن را به صورت عنصری ارزشمند در حیات اجتماعی انسان ها در جهان مطرح سازد.

همچنان که امام راحل رحمه الله_به عنوان معمار انقلاب اسلامی و بنیان گذار نظامی مبتنی بر ارزش های الهی و آسمانی، در عصر حاکمیت مکاتب انسان مدار و قوانین انسان ساخته بر جهان _ توانست با زنده کردن روح تعهد و مسئولیت پذیری اسلامی، مردم کشورمان را در میدان مبارزه با استبداد داخلی و متجاوزان خارجی، توان تازه ای بخشد. مردمی که سرنوشت خود را در گرو سرنوشت جامعه اسلامی خود می دیدند، بی محابا به مصاف گلوله ها و توپ ها رفتند و با فدا کردن خویش، کشورشان را بیمه کردند.

اینک نظام سلطه جهانی که سالیان سال با رواج فرهنگ تسامح و تساهل و اشاعه ارزش های مادی خود سعی در بیگانه ساختن مردم کشورهای زیر سلطه نسبت به ارزش های الهی و مکتبشان داشته است، خود را با فرهنگی روبه رو می بیند که می خواهد در تمام اجزای جامعه رسوخ کند و تمام باورها و رفتارهای مردم را تحت تأثیر خود قرار دهد. فرهنگی که اساس آن را مسئولیت الهی انسان نسبت به خود و جامعه تشکیل داده و درصدد است با احیای روح توحید در مردم، بنیان امت واحده جهانی را بنا نهد.

ازاین رو، نظام سلطه احساس خطر کرده و در پی چاره اندیشی برآمده است که چگونه می توان با این نگرش جدید نسبت به دین که دین را تنظیم کننده روابط اجتماعی مردم و اداره کننده سیاست جامعه می داند، به مقابله برخاست و چگونه می توان فرهنگ احیاشده مسئولیت پذیری انسان

ص :۱۰۳

در مقابل خدا را بار دیگر به رکود و انزوا کشانید؟

اسلام، دین باوران را در حکم یک پیکر واحد می داند که سرنوشت همه به هم گره خورده است و همه نسبت به یکدیگر در مقابل خداوند مسئولند. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، در این زمینه می فرماید:

أَلا ـ كُلُّكُمْ راعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسئُولٌ عَنْ رَعِيَّهٍ، فَالْأَمِيرُ الَّذِى عَلَى النّاسِ راعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، و الرَّجُلُ راعٍ عَلى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ راعِيَةٌ عَلى بَيْتِ بَعْلِها وَ وَلَدِهِ وَ هِىَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ.(۱)

ای مردم! آگاه باشید که همه شما [در حد خودتان] مسئولید و مورد بازخواست واقع می شوید. کسی که حاکم و زمام دار مردم است [در مورد رفتارش با مردم]مورد بازخواست واقع می شود؛ مردی که سرپرستی خانواده ای را بر عهده دارد، مسئول آنها بوده و باید پاسخ گوی رفتار خویش با آنان باشد و همچنین زنی که سرپرستی خانه و فرزندان شوهرش را بر عهده دارد، مسئول آنها بوده [و باید جواب گو باشد].

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در خطبه ای که در آغاز خلافت خویش ایراد فرمود، اصل فراگیر مسئولیت الهی را در جامعه اسلامی چنین ترسیم کرد:

إِتَّقُوا اللّه ـ فِى عِبادِهِ وَ بِلادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقاعِ وَ الْبَهائِمِ.(۲)

در حق بندگانش و بلادش از خدا بترسید؛ زیرا شما مورد پرسش قرار می گیرید، حتی در برابر زمین ها و ستوران.

قرآن کریم نیز انسان را نسبت به رفتار خود در برابر خداوند مسئول دانسته است:

ص :۱۰۴

۱- ابوالحسین مسلم بن الحجاج، صحیح المسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۳، ص۱۴۵۹.
۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۲۱۷.

إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ کُلَّ أُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسْئُولاً.(۱)

گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

در مقابل همه اینها، فرهنگ انسان گرای غربی که بر محور فرد و نفسانیت او است و انسان را «فعال مایشاء» می داند، چنین القا می کند که آدمی در جهت بهره وری هر چه بیشتر از لذات مادی در این جهان، رها و غیرمسئول است و نه تنها نسبت به دیگران در مقابل خداوند مسئول نیست، بلکه خود نیز در مقابل خداوند و خالق هستی مسئولیتی ندارد و تنها هواهای نفسانی و امیال شهوانی است که در این جهان تعیین کننده خطوط حرکت انسان خواهد بود.

شما خود ناظر بی اعتنایی جهان غرب نسبت به درد و رنج بی پایان انسان های مظلوم و بی پناه در چهار گوشه گیتی هستید. شاهدید که چگونه غرب وحشی، حیات و زندگی انسان ها را در معاملات دیپلماتیک خود وجه المصالحه قرار داده است و بی هیچ ترحمی به خاطر رسیدن به مقاصد سیاسی، نظامی و اقتصادی خود، ملل بی دفاع را قتل عام می کند.

آری، فرهنگ اسلامی مانع بزرگی بر سر راه سردمداران سلطه جهانی است و آنها می خواهند به هر قیمت، از رشد و شکوفایی دوباره این فرهنگ جلوگیری کنند، تا شاید بتوانند با بازگرداندن دوباره ارزش های خود به جامعه ما و مشغول داشتن مردم به خواست ها و امیال فردی که تنها دربرگیرنده رفاه مادی آنهاست، حساسیت مردم را نسبت به ارزش های دینی کم کنند و روح تعهد و مسئولیت پذیری اجتماعی را از آنها بگیرند.

در این میان بر ماست که به منظور مقابله با این هجوم فرهنگی که ارزش های متعالی مکتب ما را هدف گرفته است، با تمام قوا به پا خیزیم و

۱- سوره اسراء ۱۷، آیه ۳۶.

نگذاریم غبار کهنگی و فراموشی بر مفاهیم بلند انسانی _ اسلامی این انقلاب و اهداف والای بنیان گذار آن بنشیند. بکوشیم تا آنجا که در توان داریم، از زنده شدن دوباره فرهنگ منحط غربی که مبتنی بر بی قیدی و بی مسئولیتی انسان در مقابل خالق خود و بی اعتنایی و تعهد نداشتن او در برابر جامعه خود است، در این سرزمین جلوگیری کنیم.

امید که همه ما بتوانیم با بهره گیری از آموزه های ارزشمند پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، الگوی روابط اجتماعی خود را بیش از پیش اصلاح کنیم و با رعایت هر چه کامل تر حقوق مؤمنان، به آرمان تشکیل جامعه نمونه اسلامی نزدیک تر شویم.

ص: ۱۰۶

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۱۱۰ج، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۴.

۲. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم و دررالکلم، مقدمه و تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸.

۴. الزبیدی، محمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، ۲۰ ج، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۵ ج، چاپ اول از دوره جدید، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ۶ ج، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.

۷. شیخ هادی تهرانی، رساله حق و حکم، تصحیح نعمت الله صفری، نامه مفید، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۷۴.

۸. آل بحرالعلوم، سیدمحمد، بلغه الفقیه، ج، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ق.

۹. موسویان، سیدابوالفضل، ماهیت حق، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۲.

۱۰. العاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، ۲ ج، قم، مکتبه المفید.

۱۱. نهج البلاغه (امام علی بن ابی طالب۷)، گردآوری: شریف رضی، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، صائب، ۱۳۸۴.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ۸ ج، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۱۳. حرّ العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۲۰ ج، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی و محمد رازی، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۳۹۱ق.

ص: ۱۰۷

۱۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه همراه با ترجمه فارسی، ۱۵ ج، مترجم: حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، S.۱۳۷۹

۱۵. المتقی الهندی، علاءالدین علی، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.

۱۶. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و آثار، ۸ ج، چاپ اول، قم، دارالاسوه للطباعه و النشر، ۱۴۱۴ق.

۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ۲۰ ج، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ اول، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳.

۱۸. طبرسی، ابوعلی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ ج در ۵ جلد، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.

۱۹. صفار قمی، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله ، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۲۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، محمدهادی به، به اشراف جعفر سبحانی، قم، اسوه، ۱۴۱۳ق.

۲۱. مازندرانی، ولی محمدصالح، شرح اصول کافی، ۱۲ جلد، چاپ اول، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تهران، مکتبه الصدوق، ۱ق.

۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، سنن النبی (آداب، سنن و روش رفتاری پیابمر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله)، ترجمه، عباس عزیزی، چاپ هشتم، قم، صلاه، ۱۳۸۵.

۲۴. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر و دار بیروت، ۱ق.

۲۵. مسلم بن الحجاج، ابوالحسین، صحیح المسلم، بشرح النووی، ۱۸ ج در ۹ جلد، چاپ چهارم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹